

درس نامه + آزمون های مبحثی و جامع + پاسخ های تشریحی

موج آزمون عربی

ویراست جدید

دکتر ایاد فیلی



انتشرالگو

آزمون ۲۲ جامع | آزمون ۱۳ مبحثی | آزمون ۱۳ عربی ۳ | آزمون ۱۳ عربی ۲ | آزمون ۱۳ عربی ۱

درسنامه

آزمون‌های مبحثی و جامع

پاسخ‌های کاملاً تشریحی

موج آزمون عربی

ویراست جدید

قابل استفاده برای

دانش‌آموزان و

داوطلبان آزمون سراسری دانشگاه‌ها



مؤلف: دکتر ایاد فیلی

پیشگفتار

به نام خدا

دوستان سلام

کتابی که در دست دارید حاصل ماه‌ها کار و تلاش سخت و پیگیر است. امید است مورد پسند شما واقع شود. این کتاب منبع و مرجع خوبی برای تمرین و یادگیری است و شامل ۷۴ آزمون به سبک کنکور سراسری می‌باشد و همان‌طور که در فهرست آن مشخص است از درس اول عربی دهم شروع می‌شود و به درس آخر عربی دوازدهم ختم می‌شود و علاوه بر آزمون‌های مبحثی حاوی آزمون‌های جامع به سبک کنکور سراسری همراه با آزمون‌های سراسری سال‌های ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ تمام رشته‌ها هم می‌باشد.

درس‌نامه‌های کتاب تمام نکات و مطالب را پوشش می‌دهند و به شکلی ابتکاری و خاص تنظیم شده‌اند، به این صورت که در ابتدا «انتظارات طراحان» را در قالب چند پرسش مطرح کرده‌ام و درخت حافظه را که در حقیقت پاسخ به انتظارات طراحان است آورده‌ام. سپس دام‌ها و تله‌های احتمالی هر درس را با زبانی ساده بیان کرده‌ام. البته از قدیم گفته‌اند که «مُشک آن است که ببوید نه آنکه عطار بگوید» اما بی‌اغراق می‌گویم که مهم‌ترین ویژگی این کتاب علاوه بر تست‌های فراوان و متنوع آن، مطابقت و شباهت بسیار زیاد سؤال‌هایش با سؤال‌های کنکور سراسری است. یادتان نرود نه تنها در درس بلکه در هر کار و زمینه‌ای، هنگامی به درجه تسلط و تبحر می‌رسید که به اندازه کافی تمرین و تکرار مناسب داشته باشید. مطمئناً بعد از تمرین و تکرار، فهم و درک درستی پیدا خواهید کرد و سره را از ناسره تشخیص خواهید داد و خود این دستاورد بهترین مشوق برای ادامه مسیر و کسب نتیجه مطلوب است، پس تمرین کنید و تمرین کنید تا صاحب نظر و نکته‌دان شوید.

در پایان لازم است از واحد صفحه‌آرایی و ویراستاری نشر الگو خانم‌ها راضیه صالحی و سمانه کاظمی و آقای محسن شعبان شمیرانی به سرپرستی سرکار خانم سکینه مختار و همچنین از همکاران گرامی آقایان محمدعلی جنانی، محمد مهدی یوسفی‌رامند، مرتضی قَشمی و محمدعلی کاظمی که زحمت ویراستاری کتاب را تقبل کردند، قدردانی کنم.

با بهترین آرزوها

دکتر ایاد فیلی

فهرست

عربی دهم

- ♦ درس‌نامه: بازآموزی مقدمات (عربی دوره اول متوسطه) → ۲
- ♦ آزمون ۱: درس اول → ۴
- ♦ آزمون ۲: درس اول → ۷
- ♦ درس‌نامه: اعداد - ساعت → ۱۰
- ♦ آزمون ۳: درس دوم → ۱۱
- ♦ درس‌نامه: مجرد و مزید → ۱۴
- ♦ آزمون ۴: درس‌های سوم و چهارم → ۱۶
- ♦ آزمون ۵: درس‌های سوم و چهارم → ۱۹
- ♦ آزمون ۶: بازآموزی چهار درس اول → ۲۲
- ♦ درس‌نامه: جمله اسمیه و جمله فعلیه → ۲۵
- ♦ آزمون ۷: درس پنجم → ۲۷
- ♦ درس‌نامه: فعل معلوم و مجهول → ۳۰
- ♦ آزمون ۸: درس ششم → ۳۱
- ♦ درس‌نامه: نون وقایه - حروف جر → ۳۴
- ♦ آزمون ۹: درس هفتم → ۳۶
- ♦ درس‌نامه: اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه → ۳۹
- ♦ آزمون ۱۰: درس هشتم → ۴۰
- ♦ آزمون ۱۱: آزمون جامع دهم → ۴۳
- ♦ آزمون ۱۲: آزمون جامع دهم → ۴۶
- ♦ آزمون ۱۳: آزمون جامع دهم → ۴۹

عربی یازدهم

- ♦ درس‌نامه: اسم تفضیل و اسم مکان → ۵۴
- ♦ آزمون ۱۴: درس اول → ۵۶
- ♦ درس‌نامه: اسلوب شرط → ۵۹
- ♦ آزمون ۱۵: درس دوم → ۶۱
- ♦ درس‌نامه: معرفه و نکره → ۶۴
- ♦ آزمون ۱۶: درس سوم → ۶۶
- ♦ درس‌نامه: صفت مفرد - جمله وصفیه → ۶۹
- ♦ آزمون ۱۷: درس چهارم → ۷۱
- ♦ آزمون ۱۸: بازآموزی چهار درس اول → ۷۴
- ♦ درس‌نامه: فعل مضارع منصوب - ادوات ناصبه → ۷۷
- ♦ آزمون ۱۹: درس پنجم → ۷۸
- ♦ درس‌نامه: فعل مضارع مجزوم - ادوات جازمه → ۸۱
- ♦ آزمون ۲۰: درس ششم → ۸۳
- ♦ آزمون ۲۱: بازآموزی درس‌های پنجم و ششم → ۸۶
- ♦ درس‌نامه: افعال ناقصه → ۸۹
- ♦ آزمون ۲۲: درس هفتم → ۹۱
- ♦ آزمون ۲۳: آزمون جامع یازدهم → ۹۴
- ♦ آزمون ۲۴: آزمون جامع یازدهم → ۹۷
- ♦ آزمون ۲۵: آزمون جامع دهم و یازدهم → ۱۰۰
- ♦ آزمون ۲۶: آزمون جامع دهم و یازدهم → ۱۰۳

عربی دوازدهم

- ♦ درس‌نامه: حروف مُشَبَّهة بالفعل - لای نفی جنس ۱۰۸
- ♦ آزمون ۲۷: درس اوّل ۱۱۰
- ♦ آزمون ۲۸: بازآموزی افعال ناقصه و حروف مُشَبَّهة ۱۱۳
- ♦ درس‌نامه: حال ۱۱۶
- ♦ آزمون ۲۹: درس دوم ۱۱۸
- ♦ آزمون ۳۰: درس دوم ۱۲۱
- ♦ درس‌نامه: اسلوب استثناء - اسلوب حَصْر و اختصاص ۱۲۴
- ♦ آزمون ۳۱: درس سوم ۱۲۶
- ♦ آزمون ۳۲: درس سوم ۱۲۹
- ♦ آزمون ۳۳: بازآموزی درس‌های دوم و سوم ۱۳۲
- ♦ درس‌نامه: مفعول مطلق ۱۳۵
- ♦ آزمون ۳۴: درس چهارم ۱۳۷
- ♦ آزمون ۳۵: درس چهارم ۱۴۰
- ♦ آزمون ۳۶: بازآموزی درس‌های سوم و چهارم ۱۴۳
- ♦ آزمون ۳۷: آزمون جامع دوازدهم ۱۴۶
- ♦ آزمون ۳۸: آزمون جامع دوازدهم ۱۴۹
- ♦ آزمون ۳۹: آزمون جامع دوازدهم ۱۵۲

آزمون‌های مبحثی و جامع

- ♦ آزمون ۴۰: آزمون جامع مبحث ترجمه ۱۵۶
- ♦ آزمون ۴۱: آزمون جامع مبحث ترجمه ۱۵۹
- ♦ آزمون ۴۲: آزمون جامع مبحث ترجمه ۱۶۳
- ♦ آزمون ۴۳: آزمون جامع مبحث ترجمه ۱۶۶
- ♦ آزمون ۴۴: مفاهیم و قرابت معنایی ۱۶۹
- ♦ آزمون ۴۵: لغات، مترادف و متضاد، جمع‌های مکسر ۱۷۲
- ♦ آزمون ۴۶: لغات، مترادف و متضاد، جمع‌های مکسر ۱۷۴
- ♦ درس‌نامه: تحلیل صرفی و اعراب ۱۷۶
- ♦ آزمون ۴۷: اعراب و تحلیل صرفی ۱۷۸
- ♦ آزمون ۴۸: اعراب و تحلیل صرفی ۱۸۱
- ♦ درس‌نامه: ضبط حرکات الحروف = حرکت‌گذاری ۱۸۴
- ♦ حروف ۱۸۴
- ♦ آزمون ۴۹: ضبط حرکات الحروف = حرکت‌گذاری ۱۸۷
- ♦ حروف ۱۸۷
- ♦ آزمون ۵۰: کل مبحث حروف ۱۸۹
- ♦ آزمون ۵۱: کل مبحث اسم ۱۹۱
- ♦ آزمون ۵۲: کل مبحث فعل ۱۹۴

آزمون‌هایی به سبک کنکور سراسری

آزمون ۵۳: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۱۹۸

آزمون ۵۴: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۲۰۱

آزمون ۵۵: آزمون جامع - مطابق کنکور سراسری نظام

جدید ۲۰۴

آزمون‌های کنکور سراسری

آزمون ۵۶: آزمون سراسری رشته ریاضی ۹۸ (داخل) ۲۰۸

آزمون ۵۷: آزمون سراسری رشته تجربی ۹۸ (داخل) ۲۱۱

آزمون ۵۸: آزمون سراسری رشته انسانی (عمومی) ۹۸

(داخل) ۲۱۴

آزمون ۵۹: آزمون سراسری رشته هنر ۹۸ (داخل) ۲۱۷

آزمون ۶۰: آزمون سراسری رشته زبان ۹۸ (داخل) ۲۲۰

آزمون ۶۱: آزمون سراسری رشته‌های ریاضی و تجربی ۹۸

(خارج از کشور) ۲۲۳

آزمون ۶۲: آزمون سراسری رشته انسانی ۹۸ (خارج از

کشور) ۲۲۶

آزمون ۶۳: آزمون سراسری رشته ریاضی ۹۹ (داخل) ۲۲۹

آزمون ۶۴: آزمون سراسری رشته تجربی ۹۹ (داخل) ۲۳۲

آزمون ۶۵: آزمون سراسری رشته انسانی ۹۹ (داخل) ۲۳۵

آزمون ۶۶: آزمون سراسری رشته هنر ۹۹ (داخل) ۲۳۸

آزمون ۶۷: آزمون سراسری رشته زبان ۹۹ (داخل) ۲۴۱

آزمون ۶۸: آزمون سراسری رشته ریاضی ۱۴۰۰ (داخل) ۲۴۵

آزمون ۶۹: آزمون سراسری رشته تجربی ۱۴۰۰ (داخل) ۲۴۸

آزمون ۷۰: آزمون سراسری رشته انسانی ۱۴۰۰ (داخل) ۲۵۱

آزمون ۷۱: آزمون سراسری رشته هنر ۱۴۰۰ (داخل) ۲۵۵

آزمون ۷۲: آزمون سراسری رشته زبان ۱۴۰۰ (داخل) ۲۵۸

آزمون ۷۳: آزمون سراسری عمومی ۱۴۰۰ (خارج از

کشور) ۲۶۱

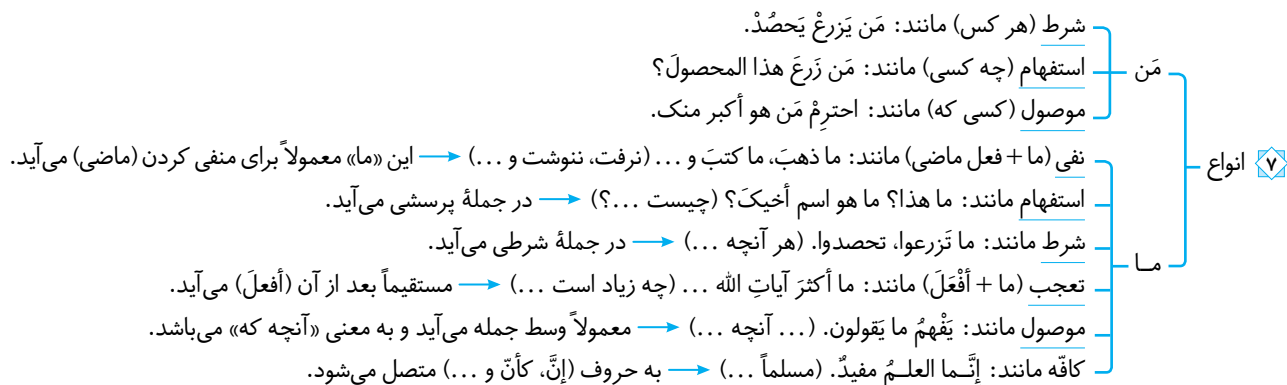
آزمون ۷۴: آزمون سراسری رشته انسانی ۱۴۰۰ (خارج از

کشور) ۲۶۴

پاسخ‌های تشریحی

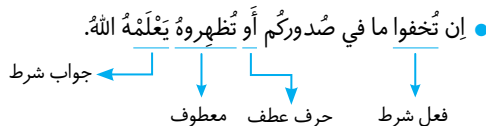
پاسخ‌های تشریحی کل آزمون‌ها ۲۶۸

پاسخنامه کلیدی ۳۴۵

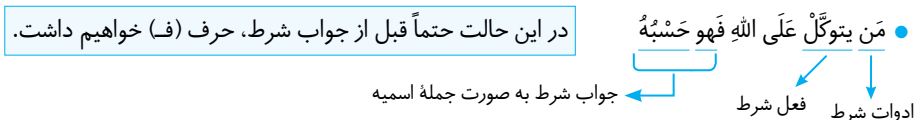


دام‌هاوتله‌های تستی

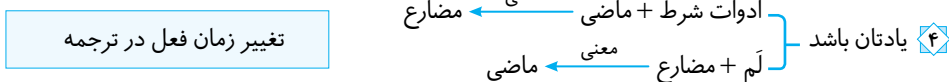
۱ فعلی که مستقیماً بعد از حروف عطف (و، ثم، أو، ...) آمده باشد، فعل شرط یا جواب شرط نمی‌باشد بلکه معطوف برای فعل قبل از خود است. یعنی در جمله زیر، فعل (تَطَهَّرُوا) فعل شرط یا جواب شرط نمی‌باشد، بلکه (معطوف) برای فعل شرط است.



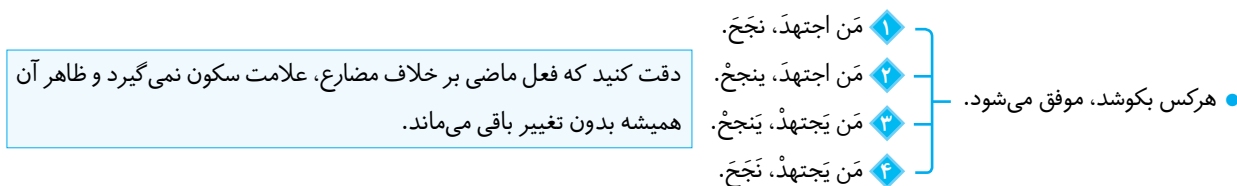
۲ اگر از شما بپرسند (در کدام گزینه جواب شرط به صورت فعل نیامده است؟) منظور آن‌ها این است که در کدام گزینه جواب شرط به صورت (جمله اسمیه) آمده است. به مثال زیر توجه کنید:



۳ تشخیص انواع (مَنْ) و (مَا) و معنی آن‌ها کاربرد فراوانی دارد. دقت کنید (مَنْ) و (مَا) فقط هنگامی می‌توانند ادوات شرط باشند که بعد از آن‌ها دو فعل مستقل یا (یک فعل + ف + جمله اسمیه) آمده باشد.



۵ جمله شرطی فارسی را هنگام برگرداندن به عربی به چهار شکل می‌توان نوشت. به مثال توجه کنید:



۶ عبارتی که با «إِنْ» یا «إِذَا» داشته باشد بر اسلوب شرط دلالت دارد (= فعل شرط و جواب شرط دارد) اما همان‌طور که در بالا اشاره شد با توجه به انواع (مَنْ) و (مَا) عبارتی که با «مَنْ» یا «مَا» شروع شود ممکن است شرطی (= اسلوب شرط) نباشد.

■ عَيْنَ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱

«إن تأملنا حول قانون الجاذبية رأينا أننا نستفيد منه في كل الأمور، و منها للحصول على مطلوبنا في الحياة!»:

- ۱) هرگاه پیرامون قانون جاذبه خوب بنگریم قطعاً می بینیم که آن را در تمام امور و خواسته هایمان در زندگی به کار می بریم!
- ۲) چنانچه درباره قانون جاذبه تأمل کنیم همانا درمی یابیم که ما آن را در تحقیق امور و خواسته خود در زندگی به کار می بریم!
- ۳) اگر در مورد قانون جاذبه دقت کنیم می بینیم که ما در تمام امور، و از جمله برای دستیابی به خواسته خود در زندگی، از آن استفاده می کنیم!
- ۴) هر وقت در مسئله قانون جاذبه خوب تأمل کنیم قطعاً متوجه می شویم که ما در همه کارها از قبیل به دست آوردن آرزوی مطلوبمان در زندگی از آن استفاده می کنیم!

۲

«من شاور العلاء في أمرٍ قبل أن يعزم، فقد انتفع!»:

- ۱) هر کسی برای انجام دادن کاری با عقلا مشورت کرد، پس سود برده است!
- ۲) کسی که پیش از عزم به کاری با دانایانی مشورت کرد پس او سود خواهد برد!
- ۳) کسی که با دانایان درباره هر امری پیش از تصمیم گرفتن مشورت کرد سود می برد!
- ۴) هر کس در امری با عاقلان مشورت کند قبل از اینکه تصمیم بگیرد، سود برده است!

۳

«من ملاً حياته بعمل الخير، كان يعلم أنها أقصر من أن يُضَيِّعها بعمل الشَّرِّ!»:

- ۱) هر آن کس بداند که زندگی کوتاهتر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می کند!
- ۲) هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر است از اینکه با عمل بد هدر رود!
- ۳) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!
- ۴) آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاهتر است از آنکه بتواند با عمل بد نابود شود!

۴

«من يُحِبَّ اللَّهُ يُحَسِّنَ إِلَى النَّاسِ، وَ مَنْ يُحِبَّهُ اللَّهُ يُبْعِدْ عَنْهُ الشَّرَّ!»:

- ۱) هر کس خدا را دوست بدارد با مردم به خوبی رفتار می کند، و کسی که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می شود!
- ۲) هر آنکه حب خدا در دل دارد، به مردم احسان می کند، و آن کس که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می ماند!
- ۳) کسی که خدا را دوست دارد به مردم نیکی می کند، و کسی که خدا او را دوست دارد، بدی را از او دور می کند!
- ۴) آنکه دوستدار خدا است به مردم احسان می کند، و آنکه خدا دوستدار اوست، او را از شر دور می سازد!

۵

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنَّ لآيَاتِ الْقُرْآنِ مَفَاهِيمَ هَادِيَةً؛ بِي تَرْدِيدِ مَفَاهِيمِ آيَاتِ قُرْآنِ هِدَايَتِكُمْ اسْت!:
- ۲) مَقَاتِبُ فَهْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ الصَّالِحِينَ: كَلِيدُ دَرْكِ صَحِيحِ قُرْآنِ نَزْدِ صَالِحَانِ اسْت!:
- ۳) يَتَعَاوَنُ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَجْتَمَعِ السَّلِيمِ: مَرْدَمٌ بَرَاءِ سَاخْتِنِ جَامِعَةٍ سَالِمِ هَمَكَارِي مِي كُنُنْد!:
- ۴) اِحْتِرَامُ الَّذِينَ يَقُولُونَ الْحَقَّ وَ اِنْ لَا تُحِبُّهُمْ: كَسَانِي كِه حَقِّ مِي كُوِينْد اِكْرِجِه دُوسْتَشَانِ نَدَارِي، مُحْتَرَمِنْد!:

۶

«هر کس با حقیقت زندگی آشنا گردد، عمر خود را در دنیا تباہ نمی سازد.»، عین الصحیح:

- ۱) لَنْ يُضَيِّعَ الْعَمْرَ فِي دُنْيَاهِ مَنْ عَرَفَ الْحَقِيقَةَ الْحَيَاةَ.
- ۲) مَنْ عَرَفَ حَقِيقَةَ حَيَاتِهِ، لَمْ يُضَيِّعِ الْعَمْرَ فِي الدُّنْيَا.
- ۳) مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى حَقِيقَةِ الْحَيَاةِ، لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا.
- ۴) لَا يُضَيِّعُ عَمْرَهُ فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَرَّفَ عَلَى الْحَقِيقَةِ فِي الْحَيَاةِ.

۷

ماهو المفهوم الأقرب لـ (كادَ الكلام أن لا يُسْمَع):

- ۱) لَا يُسْمَعُ الْكَلَامُ أَبَدًا.
- ۲) سُمِعَ الْكَلَامُ بِصُعُوبَةٍ.
- ۳) نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْمَعَ الْكَلَامَ بِسَهُولَةٍ كَثِيرًا.
- ۴) لَا يُقَطَّعُ كَلَامُهُ.

٨ ماهو الجواب الغير المناسب للفراغ: (من خصائص الطالب المُشاغب:.....)

- ١) أن يهرب من أداء الواجبات المدرسية.
- ٢) الالتفات إلى الوراء عندما يُدرّس المُعلّم.
- ٣) أن لا يقطع كلام مُعلّمه و لا يسبقه بالكلام.
- ٤) التكلّم مع غيره من الطلاب عندما يُدرّس المُعلّم.

٩ مَيِّز ما ليس فيه كلمات مُتضادّة:

- ١) بعد مدّة طويلة من العمل استراح الموظّف فترة قصيرة.
- ٢) مَنْ يُفكّر قبل الكلام يَسَلِّم من الخطأ غالباً.
- ٣) هذه حكمة مشهورة: إذا ملك الأردل هلك الأفاضل.
- ٤) مَنْ لا يَسْتَمع إلى الدرس يَرسب و مَنْ يجتهد في دروسه يُنْجح.

١٠ مَيِّز الصحيح في التعاريف التالية:

- ١) الكلام بصوت مرتفع جداً: الهَمْس
- ٢) عِلْمُ مطالعة خِوَصِّ العناصر: الكيمياء
- ٣) كلام خَفِيّ بين شَخْصين: الالتفات
- ٤) عدم الاحترام و قلة الإكرام: تبجيل

■ اقرأ النّص التالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة بما يُناسب النّص (١١-١٤):

للأرض مغناطيس يقوم بعمل للكرة الأرضية، و هو إبعادُ الشعاعات (الصّوء) التي تأتي من الشمس كلّ لحظة، حتى لا تصل إلى الأرض إلا كمّيّات قليلة منها، وهذا القليل يصل إلى القطبين الشمالي و الجنوبي، و إن وصلت هذه الأشعة إلى سطح الأرض لا يقدر الإنسان أن يبقى حيّاً ولو لحظّاتٍ قليلةٍ لأنّها تُشبه إلى حدّ كبير إشعاعات القنابل الذريّة (بمب اتمي) التي تخرب الأرض و ما فيها!

١١ عيّن الصحيح:

- ١) ليس في الأشعة شيء يضرب الموجودات.
- ٢) القليل من الإشعاعات الخطرة لا تصل إلى الأرض أبداً.
- ٣) لا يقدر الإنسان أن يواجه أشعة الشمس الخطرة!
- ٤) للإنسان طرق عديدة لمواجهة أشعة الشمس الخطرة.

١٢ صِفْ (توصيف كن) لنا إشعاعات الشمس الخطرة؟ - إنّها.....

- ١) تشبه الذرّات الصغيرة!
- ٢) مثل القنبلة الذريّة!
- ٣) تُخرب النباتات لا الإنسان!
- ٤) تبقى في القطبين الشمالي و الجنوبي!

١٣ ما هي فائدة مغناطيس الأرض؟

- ١) إرسال الأشعة إلى سطح الأرض!
- ٢) إبعاد نور الشمس المضرب عن القمر!
- ٣) وصول الإشعاعات الخطرة إلى الأرض!
- ٤) استمرار حياة الإنسان على الكرة الأرضية!

١٤ املأ الفراغ بالعبارة المناسبة: «لو لم يكن مغناطيس الأرض.....»

- ١) لَمّا تطلع الشمس!
- ٢) لَمّا بقي الإنسان!
- ٣) لَمّا يصل التور إلى الأرض!
- ٤) ما كانت تأتي إشعاعات الشمس الخطرة!

١٥ عَيِّن (ما) يُمْكِن أن تكونَ شرطية:

- ١) ما كان في قلب هذا الرّجل ذرّة من الحسد و حُبّ التّقسّ.
- ٢) لا عَلِمَ لي إلا ما عَلِمْتَنِي.
- ٣) لا تَدُكُرُ أخاك أو أُختك بما يكرهان فترتكب ذنباً عظيماً.
- ٤) ما تفعلوا من أعمال الخير لا يَصْغُ أجْرها عند الله.

١٦ عَيَّنَ ما ليس فيه اسلوب الشرط:

- (١) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطُؤُهُ.
(٢) عَلَى الطَّالِبِ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.
(٣) ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾
(٤) أَيُّهَا الْعُقَلَاءُ إِنْ أَحْسَنْتُمْ تُحْسِنُوا لِأَنْفُسِكُمْ.

١٧ مَيَّزْ جَوَابَ الشَّرْطِ لَيْسَ فِعْلًا:

- (١) مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.
(٢) مَنْ خَافَ الْعِقَابَ انصَرَفَ عَنِ السَّيِّئَاتِ.
(٣) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلِ بِهِ.
(٤) إِنْ تَوَاضَعْتَ لِمَنْ يُعَلِّمُكَ عَظَّمْتَ شَأْنَكَ.

١٨ مَيَّزِ الصَّحِيحَ فِي نَوْعِ (مَنْ) أَوْ (مَا):

- (١) قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مَتَا: (مَنْ) اسْتَفْهَمَ
(٢) مَنْ إِلَهٌ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: (مَنْ) مُوصُولٌ
(٣) مَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ: (مَنْ) شَرْطٌ
(٤) أَكْبَرَ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ: (مَا) نَفِيٌّ

١٩ مَيَّزِ الْمَاضِيَ فِي مَعْنَى الْمَضَارِعِ:

- (١) قَدْ فَازَ الَّذِي اجْتَهَدَ فِي أَعْمَالِهِ.
(٢) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَّصَ الْكَلَامُ.
(٣) هُوَ لَا عِشَاءَ صَبَرُوا فَحَصَلُوا عَلَى التَّجَاحِ فِي حَيَاتِهِمْ.
(٤) تَعَارَفَ الرِّمْلَاءُ فِي بَدَايَةِ السَّنَةِ الدِّرَاسِيَّةِ.

٢٠ مَيَّزِ أَسْلُوبَ الشَّرْطِ:

- (١) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
(٢) ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾
(٣) ﴿مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾
(٤) أَكْبَرَ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.

٢١ مَيَّزِ «أَسْلُوبَ الشَّرْطِ»:

- (١) مَا عَمَلْتَ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيُجَازِيكَ عَلَيْهِ.
(٢) هُوَ لَا عِشَاءَ قَوْمٌ مَا نَصَرُوا الْحَقَّ وَ مَا سَاعَدُوا الضَّعْفَاءَ.
(٣) ﴿إِنْ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾
(٤) يُسَاعِدُنَا مَنْ يَرَانَا فِي هَذِهِ الْحَالَةِ.

٢٢ عَيَّنَ (مَنْ) تَخْتَلِفُ فِي الْمَعْنَى:

- (١) مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.
(٢) مَنْ اجْتَهَدَ لِلْوَصُولِ إِلَى آمَالِهِ وَ سَعَى مِنْ أَجْلِهَا حَصَلَ عَلَيْهِا.
(٣) مَنْ يُتَّفِقُ أَمْوَالُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُسَاعِدُ النَّاسَ بِإِنْفَاقِهِ.
(٤) مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ فَهُوَ فَائِزٌ.

٢٣ عَيَّنَ جَوَابَ الشَّرْطِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) إِنْ تَرَكُوا أَدَاءَ وَاجِبَاتِكُمُ الْمَدْرَسِيَّةَ تَرَسَبُوا فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ!
(٢) إِنْ تَنَدَّمْ عَلَى أَعْمَالِنَا السَّيِّئَةِ نُغَيِّرْهَا بَعْدَ مَدَّةٍ بِسَهُولَةٍ!
(٣) إِنْ يَنْبَغُ صَغِيرٌ فِي الْغُرْفَةِ أَتَكَلِّمُ هَمْسًا!
(٤) إِنْ يَقْطَعُ أَحَدُ الْآخَرِينَ فَهُوَ قَلِيلُ الْأَدَبِ!

٢٤ مَيَّزِ الصَّحِيحَ فِي تَعْيِينِ جَوَابِ الشَّرْطِ:

- (١) ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ﴾: يُغْفِرُ
(٢) مَنْ يُعَاشِرُ السُّفَهَاءَ وَ يُجَالِسُهُمْ لَا يَجْتَنِبُ قَوْلَ الشَّرِّ فَهُوَ مِنْهُمْ: جُمْلَةٌ اسْمِيَّةٌ (هُوَ مِنْهُمْ)
(٣) مَا مَرَّ فِي قَلْبِكَ جَرَى عَلَى لِسَانِكَ: جَوَابُ الشَّرْطِ مَحذُوفٌ
(٤) إِنْ تَوَاضَعْتَ لِمَنْ يُعَلِّمُكَ عَظَّمْتَ شَأْنَكَ: يُعَلِّمُ

٢٥ مَيَّزِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

- (١) هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى: فِعْلٌ مَاضٍ مِنْ بَابِ إِفْعَالٍ (مَصْدَرُهُ: إِعْلَامٌ)، مَعْلُومٌ / فَاعِلُهُ مُسْتَتِرٌ
(٢) فِي هَذَا الشَّارِعِ مَطَاعِمٌ عَدِيدَةٌ: اسْمٌ جَمْعٌ تَكْسِيرٌ، اسْمُ مَكَانٍ / مُبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ وَ مَوْصُوفٌ
(٣) لَا تَذْكُرْ عِيُوبَ الْآخَرِينَ: اسْمٌ، جَمْعٌ مَذْكُورٌ، اسْمُ فَاعِلٍ / مِضَافٌ إِلَيْهِ
(٤) يَقَعُ الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى فِي مَدِينَةِ الْقُدْسِ: اسْمٌ، مَفْرَدٌ، اسْمُ تَفْضِيلٍ مُؤَنَّثٌ / صِفَةٌ وَ مَوْصُوفَةٌ: الْمَسْجِدُ

درس سوم

عبر دو آردم

درسنامه: اسلوب استثناء - اسلوب حَصْر و اختصاص

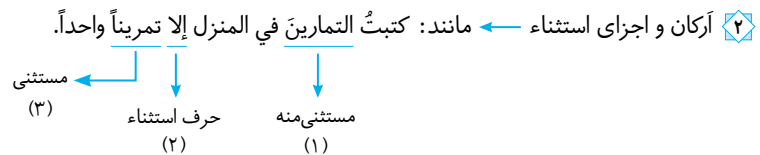
انتظارات طراحان

در این درس شما باید مطالب زیر را بلد باشید:

- ۱ مفهوم استثناء
- ۲ تشخیص ارکان و اجزای استثناء
- ۳ تشخیص (مُسْتثنی منه)
- ۴ آیا (مُسْتثنی منه) ممکن است محذوف باشد؟
- ۵ ترجمه جمله‌ای که مُسْتثنی منه آن ذکر نشده است

درخت حافظه

۱ مفهوم استثناء ← یعنی جدا کردن کسی یا چیزی از یک قاعده کلی و مهم‌ترین نشانه آن (... إلا + اسم) می‌باشد.



۳ تشخیص (مُسْتثنی منه) ← قبل از (إِلَّا) می‌آید و حالت کلی دارد، یعنی از نظر (تعداد و کمیت) از مُسْتثنی بیشتر است.

۴ (مُسْتثنی منه) محذوف ← در جملات سؤالی حتماً و در برخی از جملات منفی ممکن است (مُسْتثنی منه) حذف شود.

اگر فعل جمله قبل از إِلَّا مثبت باشد، حتماً (مُسْتثنی منه) خواهیم داشت.

۵ اسلوب حصر و اختصاص ← هرگاه جمله قبل از (إِلَّا) منفی و مُسْتثنی منه آن محذوف باشد. مانند: • لَا تَقُلْ إِلَّا الْحَقَّ: فقط حق را بگو.

فعل منفی

در این حالت می‌توان عبارت مورد نظر را به دو روش ترجمه کرد، یکبار به صورت (فقط ... + فعل مثبت) و یکبار به «صورت منفی» به مثال زیر توجه کنید:

فقط خدا را بپرستید. ✓ کلمه (فقط)، متعلق به اولین کلمه بعد از (إِلَّا) است و به عبارت ساده‌تر بعد از (فقط) نباید مستقیماً لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ [کسی] جز خدا را بپرستید. ✓ فعل بیاید، بلکه اسم بعد از (إِلَّا) می‌آید.

دام‌هاوتله‌های تست

۱ دقت کنید (مُسْتثنی منه) را با (مُسْتثنی) اشتباه نگیرید. بسیار دیده شده که داوطلبان عزیز به خاطر سرعت زیاد در خواندن صورت سؤال به کلمه

(منه) در (مُسْتثنی منه) دقت نمی‌کنند. به مثال زیر دقت کنید: • سؤال: مَيِّز (المُسْتثنی منه) منصوباً:

باید دقت کنید که (مُسْتثنی منه) همیشه قبل از (إِلَّا) می‌آید و آخر آن از نظر ظاهری می‌تواند منصوب، مرفوع و مجرور باشد. (چون هر نقشی را

می‌تواند بپذیرد)

۲ به سه نکته درباره تشخیص (مستثنی منه) دقت کنید:

الف) در جملات مثبت حتماً مستثنی منه داریم.

ب) اگر بعد از (إِلَّا) کلماتی مانند (منهم، منه و ...) دیدید، مطمئن باشید که مستثنی منه دارید. مثال:

● ما رَجَعِ الْعَمَالَ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ.

مستثنی منه

ج) اسم‌های مفرد و نکره مانند (أَخَذَ، شَيْءٌ، كِتَابًا و ...) اگر در جمله منفی به کار رفته باشند، می‌توانند (مستثنی منه) باشند. چون در این حالت

مفهوم و معنی جمع می‌دهند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

● لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ إِلَّا الْمُطَالَعَةَ.

↓ ↓
مستثنی منه مستثنی

● مَا نَجَحَ أَحَدٌ إِلَّا صَدِيقِي.

↓ ↓
مستثنی منه مستثنی

۳ دقت کنید که (أَلَّا) را با (إِلَّا) اشتباه نگیرید، زیرا (أَلَّا)، (أَنَّ حرف ناصبه) + لا + ... و حرف استثناء به شمار نمی‌رود. به مثال زیر توجه کنید:

● أَمَرَهُمُ النَّبِيُّ الْأَيْعَبِدُوا الْأَصْنَامَ: پیامبر به آن‌ها دستور داد که بت‌ها را نپرستند. یادتان باشد بعد از (أَلَّا) مستقیماً فعل می‌آید نه اسم.

فعل مضارع

توجه: سؤال نکته بالا ممکن است چنین باشد: (مَيِّزْ مَا لَيْسَ فِيهِ مُسْتَثْنَى = که باید دقت کنید بعد (أَلَّا = أَنْ + لا + ...). مستثنی نداریم.)

۴ دقت کنید که (أَلَّا) ممکن است اول جمله بیاید که در این حالت هم، حرف استثناء نخواهد بود. مانند:

● أَلَّا أَيُّهَا الْغَافِلُ، اجْتَهِدْ: هان (آگاه باش)، ای غافل! کوشش کن.



■ عَيْنِ الْأَدَقِّ وَالْأَصَحِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱ «رُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ ثُمَّ لَا يَحْصُلُ مِنْهُ عَلَيَّ فَائِدَةٌ جَدِيرَةٌ بِالتَّقْدِيرِ وَ الدَّكْرِ.»:

- ۱) چه بسا در خواندن کتابی کوشش بشود، سپس از آن فایده که شایسته قدردانی و یادآوری باشد به دست نیاید.
- ۲) چه بسا کتابی که خواننده در خواندن آن کوشش کند، سپس از آن فایده‌ای که شایسته تقدیر و یادآوری باشد به دست نیآورد.
- ۳) گاهی کتابی که خواننده آن در خواندنش کوشش بسیاری کند از آن فوائد قابل تقدیر و تذکر به دست نمی‌آورد.
- ۴) خواننده گاهی در خواندن کتابی کوشش به عمل می‌آورد سپس به دست نمی‌آورد آن فایده را که قابل تذکر و قدردانی باشد.

۲ «لَيْسَ عِلْمُ الْبَشَرِ إِلَّا وَسِيلَةٌ لِاكتشافِ قَلِيلٍ مِنَ الْأَسْرَارِ الْغَامِضَةِ فِي الْعَالَمِ!»:

- ۱) علم بشری تنها وسیله‌ای است برای کشف اندکی از اسرار پیچیده عالم!
- ۲) علم بشر فقط وسیله‌ایست برای کشف اندکی از اسرار پیچیده در عالم!
- ۳) علم بشر فقط برای کشف کردن اندک از اسرار پیچیده است در این عالم!
- ۴) علم بشر وسیله‌ای نیست مگر برای کشف اندک از اسرار پیچیده در این عالم!

۳ «لَا شَكَّ أَنَّ الَّذِينَ يَتَكَاسَلُونَ فِي الْحَيَاةِ وَ لَا يُحِبُّونَ إِلَّا اللَّذَّةَ وَ الرَّاحَةَ يَتَأَخَّرُونَ عَنِ قَافِلَةِ التَّقَدُّمِ الْإِنْسَانِي!»:

- ۱) شک نیست آن‌هایی که در دنیا تنبلی کرده فقط لذت و راحتی را طالبند از کاروان پیشرفت انسان‌ها عقب می‌مانند!
- ۲) بی‌شک کسانی که در زندگی تنبلی می‌کنند و فقط لذت و راحتی را دوست دارند از قافله پیشرفت انسانی عقب می‌مانند!
- ۳) شکی نیست آن‌ها که در زندگی سهل‌انگارند و جز لذت و راحتی نمی‌خواهند از کاروان تقدّم و پیشرفت بشری جا می‌مانند!
- ۴) بدون شک کسانی که در این دنیا تنبلی می‌کنند و جز لذت و راحتی را دوست نمی‌دارند از قافله پیشرفت بشریت عقب می‌مانند!

۴ مَبَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) لَمْ يُوَصِّلْ زَمِيلِي دِرَاسَتَهُ فِي الْجَامِعَةِ: هم کلاسی من به درس در دانشگاه نرسید.
- ۲) مَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ دِرَاسَتِهِ: خانواده‌اش نتوانست برای ادامه تحقیقاتش او را به قاهره بفرستد.
- ۳) مَا كَانَتْ تُوجَدُ مَدْرَسَةً ثَانَوِيَّةً فِي مُحَافَظَتِهِمْ: دبیرستان دومی در استان آن‌ها یافت نمی‌شود.
- ۴) لَا أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آرَاءَ عِدَّةٍ كُتَّابٍ: نمی‌خواهم در موضوعی معین نظریات چندین کتاب را بخوانم.

۵ مَبَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱) لَمْ يَتَعَلَّمِ اللُّغَةَ الْإِنجِلِيزِيَّةَ إِلَّا مِنَ السُّيَاحِ: زبان انگلیسی را فقط از جهانگردان یاد نگرفت.
- ۲) التَّحْدِيدُ غَيْرُ نَافِعٍ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ: محدودیت برای کودک یا مریض سودمند نیست.
- ۳) مَا اعْتَمَدَ الْعَقْدُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ: عقاد فقط بر خود اعتماد می‌کرد.
- ۴) لَا نَشَاهِدُ فِي حَيَاتِهِ إِلَّا النِّشَاطَ وَ الاجْتِهَادَ: در زندگی او غیر نشاط و کوشش نمی‌بینیم.

۶ «النَّاسُ لَا يَقَعُونَ فِي التَّفْرِقَةِ، إِلَّا إِذَا ابْتَعَدُوا عَنِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ! مردم». عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) در تفرقه نمی‌افتند، مگر وقتی از صراط مستقیم دور گردند!
- ۲) فقط وقتی در تفرقه می‌افتند که از صراط مستقیم دور گردند!
- ۳) دچار تفرقه نمی‌گردند، مگر هنگامی که از راه راست دور شوند!
- ۴) فقط زمانی که از صراط مستقیم دور می‌شوند در تفرقه نمی‌افتند!

۷ (انسان عاقل می‌تواند در هر موضوعی غذایی فکری بیابد)، عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) يستطيع الإنسان العاقل إيجاد غذاءٍ للفكر في كلِّ موضوع.
- ۲) الإنسانُ العاقلُ يستطيعُ أن يجدَ غذاءً فكريًّا في كلِّ موضوع.
- ۳) الإنسانُ العاقلُ يستطيعُ أن يجدَ في كلِّ الموضوعِ غذاءً فكريًّا.
- ۴) في استطاعة الإنسان ذي العقل أن يجدَ الغذاءَ الفكريَّ في كلِّ موضوع.

٨ ما هو المفهوم الأقرب لـ (كُلُّ وعاء يَضِيقُ بما جُعِلَ فيه إِلَّا وعاء العلمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ):

- (١) وعاءُ العلمِ يَكْبُرُ وَيَتَّسِعُ دائماً مثل الأشياء الأخرى.
- (٢) أَلْعَلْمُ لا يَقْبَلُ التَّحْدِيدَ وَ الْإِنْزِوَاءَ.
- (٣) نَمُوٌّ وَازْدِيَادُ الْعِلْمِ لا يَتَوَقَّفُ فِي حَدِّ مُعَيَّنٍ بَلْ هُوَ فِي حَالَةِ اَزْدِيَادٍ دَائِمٍ.
- (٤) لا تَجْعَلُ الْعِلْمَ فِي وَعَاءٍ لِأَنَّهُ لا يَنْمُو بَعْدَهَا.

٩ مَيِّزُ الْخَطَأِ لِلْفِرَاغِ:

- (١) هل أنت مِنْ أَنَّ الْفَطَارَ سَوْفَ يَأْتِي؟ نَعَمْ، أَنَا مُتَأَكِّدٌ مِنْ هَذَا: وَائِقٌ
- (٢) فِي الصَّيْفِ ثِمَارٌ بُسْتَانِنَا وَ أَعْطَيْنَا قِسْماً مِنْهَا لِلْجِيرَانِ: سَاعَدْنَا
- (٣) هَذِهِ الْمُمْرِضَةُ كَانَتْ قَدْ طَوَّلَ اللَّيْلَ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ: سَهَرْتُ
- (٤) هَذَا الْمُفَكِّرُ فِي بَيْئَةِ تَقَافِيَةٍ: نَشَأٌ

١٥ هَذِهِ الطَّالِبَةُ دَرَسَتْهَا فِي الْمَدْرَسَةِ: اِبْنُ دَانِشْ أَمُوزِ دَرَسِشْ رَا دَرِ دِيْبِرِسْتَانِ اِدَامَه دَادِ). مَيِّزُ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاغَاتِ:

- (١) وَاصِلَتْ - الثَّانَوِيَّةُ
- (٢) وَصَلَ إِلَيَّ - الْمَرْحَلَةُ الثَّانِيَّةُ
- (٣) تَوَاصَلْتُ - الْمُتَوَسِّطَةُ
- (٤) اِسْتَمَرَّتْ - الْمَرْحَلَةُ الْجَامِعِيَّةُ

١١ مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِي عِلَامَةِ (≠) أَوْ (=):

- (١) غَلَا ≠ رَحَّصَ / فَاضَ = اِمْتَلَأَ
- (٢) كَثُرَ ≠ قَلَّ / ضَاقَ = اِتَّسَعَ
- (٣) يُخَفِّضُ ≠ يُقَلِّلُ / حَشَبَ = خَوَّفَ
- (٤) سَهَرَ ≠ نَامَ / أُسْلِبُ = اِخْتَبَرْتُ

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١٢-١٥) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

كُلٌّ وَاحِدٌ مِمَّا لا يَنْسَبُ فَضْلَ الْوَالِدِينَ فَتَعْلِيمُنَا وَ رَاحَتُنَا وَ رِعَايَتُنَا كُلَّهَا خِدْمَاتٌ وَ تَضَحِيَّاتٌ يَدْمُهُمُ الْوَالِدَانُ لِسَعَادَةِ أَوْلَادِهِمْ. وَ لِهَذَا السَّبَبِ أَوْصَانَا الْفَرَانَ الْكَرِيمِ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْوَالِدِينَ وَ الطَّاعَةِ لِهَمَا، فَلَا نَرْفَعُ صَوْتَنَا عَلَيْهِمَا وَ لا يَخْرُجُ مِنْ فَمِنَا كَلَامٌ يَدُلُّ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ، بَلْ نَخْضَعُ لِهَمَا وَ نَسْعَى فِي اِكْتِسَابِ رِضَى الْوَالِدِينَ. وَ الْأَبْنَاءُ الْمَحْبُوبُونَ هُمُ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ نَصَائِحَ الْوَالِدِينَ وَ يُطِيعُونَ أَوْامِرَهُمَا لِيَفُوزُوا بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

١٢ عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفِرَاغِ: (الْوَلَدُ الْمَحْبُوبُ هُوَ الَّذِي.....)

- (١) لا يَتَكَلَّمُ أَمَامَ وَالِدِيهِ.
- (٢) لا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَيْهِمَا.
- (٣) يَأْخُذُ نَصِيحَةَ الْوَالِدِينَ.
- (٤) يَطِيعُ أَوْامِرَ وَالِدِيهِ.

١٣ بِمَاذَا يُوصِينَا الْفَرَانَ إِلَى الْوَالِدِينَ؟ يُوصِينَا.....

- (١) بِالْقِيَامِ وَ الصِّيَامِ.
- (٢) بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ.
- (٣) بِالْإِحْسَانِ وَ الطَّاعَةِ.
- (٤) بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

١٤ لِمَاذَا يَدِّدُ الْوَالِدَانُ الْخِدْمَاتِ وَ التَّضَحِيَّاتِ لِلْأَوْلَادِ؟

- (١) لِرَاحَتِهِمْ وَ سَعَادَتِهِمْ.
- (٢) لِإِطَاعَتِهِمْ وَ اِكْتِسَابِ رِضَاهِهِمْ.
- (٣) لِلخَوْفِ مِنْهُمْ وَ الطَّمَعِ فِيهِمْ.
- (٤) لِلفُوزِ بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

١٥ (الْأَبْنَاءُ الْمَحْبُوبُونَ هُمُ الَّذِينَ.....) مَا هُوَ الْغَيْرُ الْمُنَاسِبُ لِلْفِرَاغِ؟

- (١) يُطِيعُونَ وَالِدِيهِمْ.
- (٢) يَسْمَعُونَ نَصِيحَةَ وَالِدِيهِمْ وَ يَعْمَلُونَ بِهَا.
- (٣) يَفُوزُونَ بِالنَّجَاحِ.
- (٤) يَحْتَرِمُونَ وَالِدِيهِمْ.

١٦ مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ فِي (زَمِيلَتِي تَفْهَمُ كُلَّ مَا تَقْرَأُهُ بِاللُّغَةِ الْاِنْجَلِيزِيَّةِ):

- (١) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْغَائِبَةِ، مُجْرَدٌ ثَلَاثِي، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ
- (٢) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْمَخَاطَبِ، مُجْرَدٌ ثَلَاثِي، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ نَائِبُ فَاعِلُهُ مُسْتَتِرٌ
- (٣) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ غَائِبٌ، مُزِيدٌ ثَلَاثِي (مُصْدَرُهُ: نَفْهِيمٌ)، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ مَعِ فَاعِلُهُ جُمْلَةٌ فَعْلِيَّةٌ
- (٤) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْمَخَاطَبِ، مُجْرَدٌ ثَلَاثِي / الْفَعْلُ وَ الْفَاعِلُ خَبْرٌ لِكَلِمَةِ (زَمِيلَةَ)

۱۷ مَیِّزَ الخَطَأَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ أَوْ المَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌ فِي العِبْرَةِ التَّالِيَةِ: (العَمَالُ المُجْتَهِدُونَ يَشْتَغَلُونَ فِي المَصْنَعِ فِي بَعْضِ أَيَّامِ العُطْلَةِ).

- ۱) العَمَالُ: اسم، جمع تكسير، اسم فاعل، معرفة / مُبتدأ
- ۲) المُجْتَهِدُونَ: اسم، جمع مذكر سالم، معرف بأل، اسم مفعول / صفة
- ۳) يَشْتَغَلُونَ: فعل مضارع، جمع مذكر، ثلاثي مزيد من باب افتعال / فاعله ضمير (الواو)
- ۴) المَصْنَعُ: اسم، مفرد مذكر، مشتق (اسم مكان)، معرفة / مجرور بحرف الجر

۱۸ مَیِّزَ الخَطَأَ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الحُرُوفِ:

- ۱) تَعَلَّمَ هَذَا العَالِمُ اللُّغَةَ الإِنجِلِيزِيَّةَ مِنَ السُّبْحِ الَّذِي بَاتُونَ لِمُشَاهَدَةِ الأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
- ۲) لَمْ يُوَصِّلِ العَقَادُ دِرَاسَتَهُ فِي مُحَافَظَتِهِ وَكَانَ يُطَالِعُ الكُتُبَ المُخْتَلِفَةَ.
- ۳) أُكْتُبُ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوَضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ المُعْجَمِ.
- ۴) هَذَا العَالِمُ لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَحَدِيثَةٌ وَ يُدْرَسُ فِي الجَامِعَةِ.

۱۹ عَيِّنِ المَسْتَنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

- ۱) مَا كَانَ المَدِيرُ قَدْ قَبِلَ جَمِيعَ المَوْظُفِينَ إِلاَّ وَاحِدًا مِنْهُم!
- ۲) لَا يَثُورُ ضَدَّ الظُّلْمِ وَ الظَّالِمِينَ فِي العَالَمِ إِلاَّ المُؤْمِنُونَ!
- ۳) لَمْ يَتَأَمَّلِ أَغْلَبُ النَّاسِ حَوْلَ خَلْقَتِهِمْ إِلاَّ العَقْلَاءُ مِنْهُم!
- ۴) مَا رَاقَبَتِ الأُمُّ أَعْمَالَ أَوْلَادِهَا اليَوْمَ إِلاَّ لِعِبِهِمُ الكَثِير!

۲۰ مَیِّزَ أَسْلُوبَ الإِسْتِثْنَاءِ:

- ۱) أَمَرَهُمُ النَّبِيُّ الأَ يَعْبُدُوا الأَصْنَامَ.
- ۲) طَلَبَ أبُونَا مِنْ جَمِيعِ إِخْوَتِي الأَ يَحْزِنُوا حَتَّى قَلِيلًا.
- ۳) مَا رَجَعَ العَمَالُ مِنَ العَمَلِ إِلاَّ وَاحِدًا مِنْهُم.
- ۴) أَلَا أَيُّهَا العَقْلَاءُ؛ فِي جَمِيعِ الطَّرُوفِ إِحْذَرُوا أَلَا تَفُوتُكُمْ الفِرْصَةُ.

۲۱ عَيِّنِ المَسْتَنَى يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ البَاقِي:

- ۱) لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ إِلى المَدْرَسَةِ إِلاَّ المَعْلَمِينَ.
- ۲) لَا يَنْجَحُ فِي هَذِهِ الامْتِحَانَاتِ إِلاَّ الحُكَمَاءُ.
- ۳) مَا ضُرِبَ أَحَدٌ إِلاَّ المُذْنِبِ.
- ۴) مَا نَجَحَ الطُّلَابُ إِلاَّ المُجْتَهِدِينَ.

۲۲ عَيِّنِ المَسْتَنَى مِنْهُ غَيْرَ مَحذُوفٍ:

- ۱) مَا اسْتِخْدَمْتُ فِي مَقَالَتِي إِلاَّ الأمْثَالَ القَرَّائِيَّةَ!
- ۲) لَنْ يَشْتَرِكَ فِي مَسَابِقَةِ القَفْرِ إِلاَّ أَرْبَعَةُ تَلَامِيذًا!
- ۳) لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنَ الصَّفِّ إِلاَّ مَنْ شَاهَدْتُ وَاجِبَاتِهِ!
- ۴) لَمْ يَسْهَرِ اللَّيْلَةَ المَاضِيَةَ عَلَى سَرِيرِ المَرِيضِ إِلاَّ أُمِّي!

۲۳ مَیِّزَ الصَّحِيحَ فِي تَعْيِينِ «المَسْتَنَى مِنْهُ»:

- ۱) طَالَعْتُ هَذَا الكِتَابَ كُلَّهُ فِي المَكْتَبَةِ العَامَّةِ إِلاَّ خَمْسَ صَفْحَاتٍ مِنْهُ: المَكْتَبَةُ
- ۲) لَا يَقُولُ المُؤْمِنُونَ فِي كُلِّ الأَحْوَالِ إِلاَّ الصِّدْقَ: المُؤْمِنُونَ
- ۳) كُلُّ يَوْمٍ يَذْهَبُ الأَوْلَادُ إِلى المَدْرَسَةِ إِلاَّ يَوْمَ الجُمُعَةِ: الأَوْلَادُ
- ۴) يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ يَوْمَ القِيَامَةِ إِلاَّ الشُّرَكَ بِاللهِ: الذُّنُوبُ

۲۴ مَیِّزَ المُسْتَنَى مُخْتَلِفًا:

- ۱) تَتَقَدَّمُ جَمِيعُ الشُّعُوبِ إِلاَّ المَتَكَاسِلَةَ.
- ۲) سَافَرَ فِي هَذَا المَوْسَمِ جَمِيعُ أَصْدِقَائِي إِلاَّ مَيْثِمًا.
- ۳) مَا رَجَعَ أَصْدِقَائِي مِنَ السَّفَرِ إِلاَّ وَاحِدًا مِنْهُم.
- ۴) مَا كَانَ فِي مَكْتَبَةِ المَدْرَسَةِ إِلاَّ طَالِبٌ وَاحِدٌ.

۲۵ مَیِّزَ الخَطَأَ فِي أَسْلُوبِ الإِسْتِثْنَاءِ:

- ۱) كَتَبْتُ تَمَرِينًا فِي المَنْزِلِ إِلاَّ التَّمَارِينَ.
- ۲) لَمْ يَنْجَحْ فِي الامْتِحَانِ أَحَدٌ إِلاَّ صَدِيقِي.
- ۳) أُدِيَتْ إِمْتِحَانُ جَمِيعِ الدَّرُوسِ إِلاَّ اللُّغَةَ الفَارْسِيَّةَ.
- ۴) رَأَيْتُ الأَصْدِقَاءَ المُجْتَهِدِينَ فِي المَكْتَبَةِ إِلاَّ سَعِيدًا.

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ لِلْجَوَابِ فِي التَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱ «بَيْنِي هَذَا الطَّائِرَ عَشَّهُ فَوْقَ جِبَالٍ مُرْتَفِعَةٍ وَ عِنْدَمَا تَكْبُرُ فِرَاحُهُ يَطْلُبُ مِنْهَا أَنْ تَقْفَزَ مِنْ عَشِّهَا الْمُرْتَفِعِ.»:

- ۱) لانه این پرنده در بالای کوه‌های بلند ساخته می‌شود و هنگام بزرگ شدن جوجه‌ها از آن‌ها می‌خواهد از لانه بلندشان پرواز کنند.
- ۲) این پرنده لانه‌اش را بالای کوه‌های بلند می‌سازد و هنگامی که جوجه‌های بزرگ می‌شوند از آن‌ها می‌خواهد که از لانه بلند خود بپروند.
- ۳) این پرنده لانه بلند در بالای کوه‌ها بنا می‌کند و جوجه‌های خود را بعد از بزرگ شدن از بالای لانه بلند پرتاب می‌کند.
- ۴) این پرنده بالای کوه‌های بلند لانه خود را می‌سازد و هنگام بزرگ شدن جوجه‌ها از آن‌ها می‌خواهد که از لانه بلندشان به پرواز دربیایند.

۲ «هناك نوعٌ مِنَ النَّمْلِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقَاوِمَ أَمَامَ أَرْبَعِينَ دَرَجَةً مِنَ الْحَرَارَةِ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقٍ!»:

- ۱) نوعی مورچه وجود دارد که در برابر ۴۰ درجه حرارت فقط ۱۰ دقیقه می‌تواند مقاومت کند!
- ۲) یک نوع مورچه وجود دارد که در برابر بیش از ۴۰ درجه حرارت تنها ۱۰ دقیقه مقاومت می‌کند!
- ۳) نوعی از مورچه‌ها آنجا موجود است که در مقابل حرارت ۴۰ درجه‌ای به‌جز ۱۰ دقیقه مقاومت نمی‌کند!
- ۴) یک نوع از مورچه‌ها هستند که نمی‌توانند در مقابل حرارت بیش از ۴۰ درجه بیشتر از ۱۰ دقیقه مقاومت کنند!

۳ «الآيَاتُ الْعِلْمِيَّةُ فِي الْقُرْآنِ تُخَاطَبُ الْإِنْسَانَ الَّذِي لَا يَطْمَئِنُ قَلْبُهُ إِلَّا عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ وَ التَّجْرِبَةِ.»:

- ۱) آیه‌های علمی قرآن انسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد، انسانی که جز از راه علم و دانش قلبش اطمینان نمی‌یابد.
- ۲) آیه‌های علمی در قرآن انسان را که جز از طریق دانش و آزمایش قلبش آرامش نمی‌یابد، مورد خطاب قرار می‌دهد.
- ۳) آیه‌های علمی قرآن انسانی را که جز از راه دانش تجربی قلبش آرام نمی‌گیرد، مورد خطاب قرار می‌دهد.
- ۴) آیه‌های علمی در قرآن همیشه انسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد که جز از طریق آزمایش در علوم قلبش آرام نمی‌گیرد.

۴ مَيِّزَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

- ۱) لَا تَقُلْ إِلَّا الْحَقَّ: حق را فقط بگو.
- ۲) لَا تَفْعَلُوا إِلَّا الْحَسَنَاتِ: فقط خوبی‌ها را انجام دهید.
- ۳) لَيْسَ الْمَفْلُحُ إِلَّا الصَّادِقُ: فقط راستگاران راستگو است.
- ۴) مَا كَانَ فِي الْمَرْعَةِ إِلَّا فَلَاحٌ: فقط در مزرعه کشاورز بود.

۵ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) عِنْدَمَا أَشْعُرُ بِالْأَلَمِ أَلْتَصِقُ بِالْأَرْضِ بِالسَّجُودِ الطَّوِيلِ.: هنگامی که احساس درد می‌کنم با سجده طولانی به زمین می‌چسبم،
- ۲) وَ أُخْرِجُ كُلَّ مَا بَدَاخِلِي فَسَاجِدُ هُنَاكَ مَنْ يَسْمَعُنِي.: و آنچه را در درون دارم بیرون می‌ریزم پس در آنجا کسی را خواهم یافت که به او گوش دهد،
- ۳) وَ مَا أَعْرِفُهُ إِلَّا بَعْدَ أَنْ أَسْبَحُهُ لَيْلاً وَ نَهَاراً بِالْإِسْتِيقَاءِ.: و او را نشناختم مگر اینکه شبانه روز به خاطر شوقم وی را تسبیح گفته باشم،
- ۴) وَ هَذَا الشُّوقُ لَا يُوصِلُنِي إِلَّا إِلَى مَنْ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ!: و این اشتیاق مرا به کسی که همان خدای واحد است رسانده است!

۶ مَيِّزَ الصَّحِيحِ لِتَعْرِيبِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: (هیچ اشکالی در مطالعه این کتاب برای بار دوم وجود ندارد.)

- ۱) لَا إِشْكَالَ فِي مُطَالَعَةِ هَذَا الْكِتَابِ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
- ۲) لَا مُشْكَلَ فِي الْمَطَالَعَةِ مَرَّتَيْنِ لِهَذِهِ الْكُتُبِ.
- ۳) لَا يَشْكَلُ مُطَالَعَةُ هَذَا الْكِتَابِ مَرَّتَيْنِ.
- ۴) لَا يُوجَدُ إِشْكَالٌ لِمَطَالَعَةِ هَذَا الْكِتَابِ اثْنَيْنِ.

۷ مَا هُوَ الْمَفْهُومُ الْمَعَادِلُ لـ (قَرَأْتُ الْكِتَابَ إِلَّا مَصَادِرَةً.):

- ۱) مَا قَرَأْتُ سِوَى مَصَادِرِ الْكِتَابِ.
- ۲) لَمْ أَقْرَأْ إِلَّا مَصَدِرًا مِنْ مَصَادِرِ الْكِتَابِ.
- ۳) قَرَأْتُ الْكِتَابَ كُلَّهُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِ صَفْحَةٍ مِنْهُ.
- ۴) لَمْ أَقْرَأْ مَصَادِرَ الْكِتَابِ.

۸. إِمْلَأِ الْفَرَاقَاتِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ: (سُقُوطِ الْفِرَاحِ مِنْ عَشَّهَا مَشْهَدٌ ولكن لا منه: افتادن جوجه ها از لانه خود صحنه ترسناکی است، ولی هیچ گریزی از آن نیست.)

- (۱) خَائِفٌ - أُسْلُوبٌ
(۲) مُرْعَبٌ - فِرَارٌ
(۳) مُحْزَنٌ - هَرُوبٌ
(۴) حَزِينٌ - إِشْكَالٌ

۹. مَيِّزِ الْخَطَأَ لِلْفِرَاغِ:

- (۱) مَاءٌ ذَلِكَ التَّهَرُّ بِسَبَبِ كَثْرَةِ الْأَمْطَارِ: فَاصِّ
(۲) الْمُؤْمِنُ نَظَرُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ: يَغُضُّ
(۳) الْكِتَابَ قَبْلَ الدَّخُولِ فِي قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ: تَصَفَّحَتْ
(۴) الْمُمَرِّضَةُ اللَّيْلَ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ: تُدَاوِي

۱۰. مَيِّزِ الصَّحِيحَ فِي عِلَامَةِ (=) أَوْ (≠):

- (۱) يَرُخُّصُ ≠ يَغْلُو / صَحَفِيٌّ = مُفَكِّرٌ
(۲) وَائِقٌ ≠ مُطْمَئِنٌّ / اِتَّسَعَ = أَصْبَحَ وَسِيعاً
(۳) أَعْلَى ≠ أَسْفَلٌ / نَشَأَ = تَرَبَّى
(۴) حَدِيثٌ ≠ جَدِيدٌ / مَصْدَرٌ = مَنَبَعٌ

۱۱. مَيِّزِ جَمْعَ التَّكْسِيرِ الصَّحِيحَ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (فَاكِهَةٌ، شَدَّةٌ، صَحِيفَةٌ، طَعَامٌ)

- (۱) فَوَاكِهِ، أَشْدَاءٌ، صَحِيفَاتٌ، طُعُومٌ
(۲) فَاكِهَاتٌ، شَدَائِدٌ، صَحُوفٌ، أَطْعِمَةٌ
(۳) فَوَاكِهِ، شَدَائِدٌ، صُحُفٌ، أَطْعِمَةٌ
(۴) فَاكِهَاتٌ، شَدَاتٌ، صَحِيفَاتٌ، طَعَامَاتٌ

۱۲. مَيِّزِ الْخَطَأَ فِي السُّؤَالِ أَوْ الْجَوَابِ:

- (۱) مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعَقَادَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ؟ - تَعَلَّمَهَا لِيَدْرَسَ الْأَدَبَ الْغَرْبِيَّ.
(۲) أَيْنَ وَجَدْتَ الْكِتَابَ؟ - وَجَدْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْجَامِعَةِ.
(۳) هَلْ أَنْتَ وَائِقٌ مِنْ وَصُولِ الْقَطَارِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ؟ - نَعَمْ، أَنَا وَائِقٌ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ.
(۴) لِمَ سَهَرْتَ الْمُمرِّضَةَ؟ - سَهَرْتُ لِلْعِنَايَةِ بِالْمَرِيضِ.

■ إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱۳-۱۶) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

لا شكَّ أنَّ قِسْمًا مِنَ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ هُوَ الْمَسْئُولُ الْأَوَّلُ عَنِ إِصَابَةِ الْإِنْسَانِ بِأَمْرَاضِ الْقَلْبِ، وَلَكِنَّا يَجِبُ أَنْ لَا نَنْسَى حَقِيقَةَ أُخْرَى وَهِيَ أَنَّ لِبَعْضِ الْإِنْفِعَالَاتِ وَالتَّأَثُّرَاتِ الَّتِي تَخْرُبُ هُدُوءَ الْإِنْسَانِ أَيْضًا نَصِيبًا فِي الْإِبْتِلَاءِ بِالْأَمْرَاضِ الْقَلْبِيَّةِ! وَفِي هَذَا الْمَجَالِ قَدْ وَجَدَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ بَعْضَ الْحَيَوَانَاتِ الَّتِي لَا تَتَنَاوَلُ شَيْئًا مِنَ الْأَطْعِمَةِ الْمَضْرَّةِ أَصَابَتْ بِنَوْعٍ مِنَ الْأَمْرَاضِ الشَّرِيَانِيَّةِ وَلِذَلِكَ يَعْتَقِدُ الْأَطِبَاءُ بِمَا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ فَارِغَةً مِنَ الْمَشْكَلَاتِ، فَعَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يُرَاعِيَ كَيْفِيَّةَ حَيَاتِهِ حَتَّى يُسَيِّطِرَ عَلَيْهِ الْيَأْسُ وَ الْكَاثِبَةُ وَ الْحُزْنُ. فَانْهَآ مَهْلِكَةٌ أَيْضًا!

۱۳. عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

- (۱) السَّبَبُ الْوَحِيدُ لِلْمَوْتِ يَعُودُ إِلَى الْمَشْكَلَاتِ الْغِذَائِيَّةِ!
(۲) لَا نَجِدُ إِنْسَانًا لَا يُوَاجِهُ مَشْكَلَةً فِي حَيَاتِهِ!
(۳) نَسْتَطِيعُ أَنْ نَصْنَعَ حَيَاةَ لَيْسَ فِيهَا صَعُوبَةٌ وَ لَا مَصِيبَةٌ!
(۴) لَا شُعُورَ لِلْحَيَوَانَاتِ فَلَا تُؤَثِّرُ عَلَيْهَا الْعَوَاطِفُ!

۱۴. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ:

- (۱) الْحَالَاتُ النَّفْسِيَّةُ تَقْتُلُ الْإِنْسَانَ أَكْثَرَ مِنَ الْعَوَامِلِ الْأُخْرَى!
(۲) الصَّعُوبَاتُ جِزْءٌ مِنَ وُجُودِ الْإِنْسَانِ، فَانْهَآ لَا تَأْتِي مِنَ الْخَارِجِ!
(۳) الْجَمِيعُ يَرُونَ أَنَّ الْقَلْبَ وَ أَمْرَاضَهُ هُوَ السَّبَبُ الْوَحِيدُ لِهَلَاكِ الْإِنْسَانِ وَ الْحَيَوَانَاتِ!
(۴) الطَّرِيقُ الصَّحِيحُ هُوَ عَدَمُ الْإِقْتِرَابِ مِنْ أُمُورٍ تَخْرُبُ مَعْنَوِيَّاتِ الْإِنْسَانِ وَ حَيَاتِهِ!

۱۵. بِأَسْبَابِ الْمَوْتِ يُسَبَّبُ أَنْ لَا بِأُمُورٍ تَقْتُلُ جَمَاعَاتُ! عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاقَاتِ:

- (۱) يَجْهَلُ - تَفَكَّرَ - فِي يَوْمٍ
(۲) الْجَاهِلُ - نَعْتَرَفُ - الْإَيَّامِ
(۳) الْجَهْلُ - نَهْتَمُّ - كُلَّ يَوْمٍ
(۴) الْجَهَالَةُ - نَعْرِفُ - الْيَوْمَ

۱۶. مَاذَا نَسْتَنْتِجُ مِنَ النَّصِّ؟

- (۱) يَجِبُ أَنْ تَتَنَاوَلَ مِنَ الْأَطْعِمَةِ الْمَضْرَّةِ!
(۲) مَنْ لَمْ تَبْتَعِدْ عَنْهُ الْمَشْكَلَاتُ لِيَقْتَرِبَ مِنَ الْمَوْتِ!
(۳) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَتَعَوَّدَ عَلَى قَبُولِ الْمَصَائِبِ!
(۴) يَجِبُ أَنْ لَا نَسْمَحَ بِسَيِّطْرَةِ الْحَالَاتِ الْمَضْرَّةِ عَلَيْنَا!

١٧ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مُخْتَلَفًا:

- ١) لم تفتح التوافق التي أمامنا إلا هذه النافذة!
٣) لا يغرس الحُبّ في نفوس أعضاء الأسرة إلا الأم!
- ٢) لا نعرف عن مشاكل هذه المدينة إلا القليل منها!
٤) الأطفال لبسوا ملابس جديدة في الحفلة إلا طفل صديقتي!

١٨ مَيِّز «المستثنى منه» جمعاً للتكسير:

- ١) لم يركب المسافرون السيارة حتى الآن إلا اثنين منهم.
٢) كل يوم يذهب الطلاب إلى الجامعة إلا يوم الجمعة.
٣) لا يستفيد من تجارب الحياة إلا العاقل.
٤) يعرف الله الذنوب يوم القيامة إلا الشرك بالله.

١٩ مَيِّز الصحيح في تعيين «المستثنى منه»:

- ١) هذا الرجل ليس له عمل إلا الدعاء: الرجل
٢) ما طالع ليلة الامتحان إلا كتاب العربية: كتاب العربية
٣) الأصدقاء حضروا في حفل التخرج إلا منصوراً: الأصدقاء
٤) زملاء يدرسون كل يوم في المكتبة إلا حميداً: كل يوم

٢٥ مَيِّز الخطأ في تعيين نوع «لا»:

- ١) لا نشاهد في حياته إلا النشاط: «لا» النافية
٢) لا إشكال في مطالعة عدة كتب حول موضوع معين: «لا» التافية للجنس
٣) لا تتهم أحداً بما ليس لك به علم: «لا» النافية
٤) لا طعام لفكر الإنسان كالمطالعة: «لا» النافية

٢١ مَيِّز المستثنى منه مفعولاً به:

- ١) في هذا الأسبوع ما طالعت درساً إلا الكيمياء.
٣) تسمح الأم لأولادها السباحة في البحر إلا الطفل الصغير.
- ٢) سافر في هذه العطلة الصيفية جميع أصدقائي إلا جعفرًا.
٤) يعمل المزارعون في هذه القرية بجد إلا اثنين منهم.

٢٢ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

- ١) لم يكن في تلك المزرعة إلا قلاح واحد.
٢) اعتمد الناس على نفوسهم في الدنيا إلا الخائفين منهم!
٣) وهب ألبسته فقيراً قد مرّ بداره إلا واحداً منها!
٤) ما سمعتُ خبراً من التلفاز إلا الأخبار الاقتصادية!

٢٣ مَيِّز الصحيح لصياغة أسلوب الاستثناء: (نصح المدرس جميع الطلاب)

- ١) ليدرسوا جيداً.
٣) إلا الطالب المشاغب.
٢) ألا يتكاسلوا.
٤) لكن بعضهم لم يسمع.

٢٤ مَيِّز الصحيح في التحليل الصرفي و المحلّ الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (العقاد من أهمّ الكتاب في مصر و كان جديراً بالتقدير و واجه

ظروفاً صعبةً في حياته.)

- ١) أهمّ: فعل ماضٍ، مفرد، من باب «إفعال»، مزيد ثلاثي
٢) الكتاب: اسم، مفرد مذكر، جامد، معرفة / فاعل
٣) جديراً: اسم، مفرد مذكر، نكرة / حال
٤) صعبةً: اسم، مفرد مؤنث، نكرة / صفة

٢٥ مَيِّز الصحيح في تعيين المحلّ الإعرابي لما تحته خط:

- ١) ما درس العقاد إلا في المرحلة الابتدائية: مضاف إليه، مستثنى
٢) كل شيء يزخر إذا كثرت الأديب: فاعل، مستثنى
٣) ما طالع ليلة الامتحان كتاباً إلا كتاب اللغة العربية: مفعول به، صفة
٤) أعطى المدير مسؤولية المكتبة لزميلي و هو جدير بها: مجرور بحرف الجر، حال

۲ ۴ جمله صورت سؤال شرطی است. در گزینه (۲)، «دانایانی»، و در گزینه (۳)، «هر امری» نادرست است. بنابراین بین گزینه‌های (۱) و (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۱)، فعل (أَنْ يَعْزَمَ) ترجمه نشده است بنابراین این گزینه هم حذف می‌گردد.

۳ ۳ با توجه به فعل كان يعلم (می‌دانسته) و ضمیر (ها) در يُصَيِّعَهَا (= تباهش کند) به گزینه (۳) می‌رسیم.

۴ ۴ يُبْعِدُ عَنْهُ الشَّرَّ: بدی را از او دور می‌کند / يُبْعِدُ به باب افعال رفته و متعدی شده است و به صورت «دور می‌کند» ترجمه می‌گردد. انسانی - ۹۵

۵ ۳ در گزینه (۴)، (إِحْتِرَمَ) فعل امر است و باید به صورت فعل ترجمه گردد. در گزینه (۱) (لَايَاتٍ) به معنی «نشانه‌ها» و در گزینه (۲) (مفاتيح) به معنی «کلیدها» می‌باشد.

۶ ۳ با توجه به «حقیقت زندگی: حقیقة الحياة» و «عمر خود: عمره» فقط گزینه (۳) صحیح است.

۷ ۲ این سؤال بسیار قشنگی است! (كَأَنَّ أَنْ لَا يُسْمَعُ): نزدیک بود که شنیده نشود ← (به سختی شنیده شد) و این معنی فقط در گزینه (۲) آمده است.

۸ ۳ دقت کنید در این سؤال جمله غیرمناسب مدنظر است بنابراین گزینه (۳) که جزء خصوصیات خوب است، نمی‌تواند جزء صفات دانش آموز نامنظم و شلوغ کار به حساب بیاید.

۹ ۲ کلمات متضاد در بقیه گزینه‌ها: گزینه (۱): طويلة ≠ قصيرة / گزینه (۳): الأراذل ≠ الأفاضل / گزینه (۴): يَرْسُب ≠ يَنْجَح

۱۰ ۲ علم مطالعه خواص مواد = شیمی درک مطلب

زمین دارای مغناطیسی است که وظیفه‌ای بسیار مهم برای این کره خاکی بر عهده دارد و آن عبارت است از: «دور کردن شعاع‌های نوری که هر لحظه از سوی خورشید به زمین می‌تابد.» تا این شعاع‌ها جز مقدار بسیار کمی از آن، به زمین نرسد و این مقدار کم نیز به سوی قطب‌های شمال و جنوب هدایت بشود و اگر این شعاع‌ها به سطح زمین برسد، انسان نمی‌تواند حتی برای لحظاتی بسیار کم روی آن زنده بماند چرا که این شعاع‌های نوری بسیار شبیه تشعشعات بمب‌های هسته‌ای است که زمین را و هر آنچه در آن است نابود می‌سازد.

۱۱ ۳ معنی گزینه (۳): «انسان نمی‌تواند که در مقابل اشعه خطرناک خورشیدی قرار بگیرد.» معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): در اشعه چیزی وجود ندارد که به موجودات ضرر برساند. / گزینه (۲): مقدار بسیار کمی از اشعه‌های خورشید هرگز به زمین نمی‌رسند و بیشتر آن‌ها می‌رسند. / گزینه (۴): انسان راه‌های زیادی برای مقابله با اشعه خطرناک خورشیدی دارد.

۱۲ ۲ معنی صورت سؤال: «اشعه‌های خطرناک خورشیدی را توصیف کن: آن‌ها مانند بمب هسته‌ای عمل می‌کنند.»

۱۳ ۴ معنی صورت سؤال: «فایده مغناطیس کره زمین چیست؟» معنی گزینه‌ها:

گزینه (۱): فرستادن اشعه به سطح زمین / گزینه (۲): دور کردن نور مضر خورشید از ماه / گزینه (۳): رسیدن تشعشع‌های خطرناک به زمین / گزینه (۴): استمرار حیات انسان بر کره زمین

۱۷ ۳ اسم تفصیل بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): أَهَمَّ (بر وزن أَفْعَل) و به معنی (مهم‌ترین) می‌باشد. / گزینه (۲): الآخرین (مفرد آن، آخر) و بر وزن أَفْعَل است. / گزینه (۴): الأفاضل (مفرد آن = أفضل).

۱۸ ۳ (أَحْسِنَ) در گزینه (۳) به معنی (خوبی کن) و فعل امر از (أَحْسَنَ - يُحْسِنُ) می‌باشد، اما در بقیه گزینه‌ها اسم تفصیل است و به معنی «بهتر» یا «بهترین» است.

۱۹ ۳ اسم مکان بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): مُنْتَجِرٌ، بر وزن مَفْعَلٌ و به معنی «محل تجارت یا مغازه» می‌باشد. / گزینه (۲): مَقاصد، مفرد آن مَقْصَدٌ و بر وزن مَفْعَلٌ است. / گزینه (۴): مَطْبَعَةٌ، بر وزن مَفْعَلَةٌ و به معنی «چاپخانه» است.

۲۰ ۳ در گزینه (۳)، (فُضِّلِي) = اسم تفصیل مؤنث) باید به صورت (أَفْضَلُ) بیاید، چون بعد از آن (من) آمده است. یعنی اسم تفصیل‌های مؤنث اصولاً با (من) نمی‌آیند.

یعنی هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث مانند (مریم و زینب) از اسم تفصیل مذکر (بر وزن أَفْعَلٌ) استفاده می‌کنیم نه (فَعْلِي).

۲۱ ۱ در گزینه (۱) چون مستقیماً بعد از (خیر) کلمه‌ای آمده است که مضاف‌الیه است، حتماً (اسم تفصیل) است اما در بقیه گزینه‌ها به معنی «خوبی» و مصدر و جامد است.

۲۲ ۳ «مَدَارٌ» بر وزن مَفْعَلٌ و اسم مکان است. دقت کنید که کلمات «مُشْتَعِرَةٌ» و «مُشْتَبِرَةٌ» با اینکه با (م) شروع شده‌اند، چون حرکت حرف ماقبل آخر آن‌ها کسره است، «اسم فاعل» هستند، نه اسم مکان.

۲۳ ۲ أَقْصَى بر وزن أَفْعَلٌ و مذکر است و از روی کلمه قبل از آن یعنی المسجد که موصوف آن می‌باشد، به راحتی قابل تشخیص است. در بقیه گزینه‌ها، کلمات (علیاً، دنیا) مذکر آن: أدنی و اولی مذکر آن: أول) بر وزن فَعْلِي و اسم تفصیل مؤنث هستند. ضمناً در گزینه (۴)، «الآخرین» که مفردش «الآخر» است، اسم تفصیل مذکر است.

۲۴ ۴ (الْمُتَّجِدَةُ) اسم فاعل است نه اسم مفعول. دقت کنید کلمه (مَقَرٌّ) مانند مَحَلٌّ و مَقَرٌّ «محل فرار، راه گریز» بر وزن (مَقَلٌّ = مَفْعَلٌ) می‌باشد و اسم مکان و دو حرف آخر آن در هم ادغام شده است.

۲۵ ۴ (لَا تُجَادِلُوا) نهی از (جَادَلٌ - يُجَادِلُ - مُجَادَلَةٌ) می‌باشد و حرکت یک حرف ماقبل آخر آن باید کسره باشد نه فتحه. از کجا بفهمیم این فعل متعلق به باب (تَفَاعُلٌ) نیست؟

با توجه به نهی بودن این فعل نتیجه می‌گیریم که (ت) اول آن نشانه مضارع مخاطب است و به عبارت دیگر مفرد آن (لَا تُجَادِلُ) و (ت) به کار رفته در آن نشانه باب (تَفَاعُلٌ) نیست.

پاسخ تشریحی آزمون ۱۵

۱ ۳ (إِنْ) به معنی «اگر، چنانچه، هرگاه و ...» می‌باشد و چون جمله شرطی است، فعل ماضی (تَأَمَّلْنَا) به صورت مضارع ترجمه می‌شود. در گزینه (۱)، «خوب»، «قطعاً» و «خواستهایمان» نادرست است. در گزینه (۲) «همانا» و عدم ترجمه «کل» ... نادرست است و در گزینه (۴) هم، «خوب»، «قطعاً» و «از قبیل» نادرست است.

گزینه (۱): يُضَاعَفُ / گزینه (۳): جَرَى (فعل ماضی) / گزینه (۴): عَظَمَتْ (فعل ماضی)

دقت کنید در گزینه (۴) فعل (يُعَلِّمُ) چون مستقیماً بعد از (مَنْ) «موصول» آمده است، نمی‌تواند فعل شرط یا جواب شرط باشد.

معنی گزینه (۴): «اگر برای کسی که به تو آموزش می‌دهد، تواضع کنی، شأن و مقام خود را بالا می‌بری.»

۲۵ شکل درست بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): أعلم: اسم تفضیل ... / گزینه (۳): الآخرین (مفرد آن: الآخر): اسم تفضیل ... / گزینه (۴): ألقى (بر وزن أفعال (أفعی): اسم تفضیل مذکر ...

پاسخ تشریحی آزمون ۱۶

۱ ۲ أصبر من ... : صبورتر از ... هنر - ۹۵

۲ ۱ (قَصِيْدَةٌ) اول، نکره و (القَصِيْدَةُ) دوم، معرفه است بنابراین هنگام ترجمه می‌توان قبل از دومی، کلمه (این) یا (آن) را بیاوریم و هیچ اشکالی از نظر ترجمه ندارد.

۳ ۲ (هُنَاكَ) اگر اول جمله بیاید، به صورت (وجود دارد) معنی می‌شود (رد گزینه‌های (۱) و (۴)) و (محاصیل) «جمع» است، نه «مفرد» (رد گزینه (۱)). ضمناً دلیل دیگر رد گزینه (۱)، «کشاورزان» باید به صورت «کشاورزان روستا» معنی شود.

۴ ۴ با توجه به اینکه کلمه (عمر) بدون ضمیر آمده است و الأشجار همراه با صفت (الطويلة) آمده، به گزینه (۴) می‌رسیم. ریاضی - ۹۹

۵ ۳ با توجه به ضمیر (نا) در حیاتنا (= زندگی ما، زندگیمان) و فعل مضارع تَنْجَلِي (= جلوه می‌کند) به جواب گزینه (۳) می‌رسیم. انسانی - ۱۴۰۰

۶ ۴ شکل درست بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): (يُعَدُّ) مجهول است و باید به صورت «به شمار آورده می‌شود» ترجمه شود. / گزینه (۲): في العالم: در جهان / گزینه (۳): حیاتهم: زندگی خود - لانهم: برای اینکه هنر - ۹۸

۷ ۲ المُحِيطُ الهَادِيُّ: اقیانوس آرام / در ضمن جمله (تَتَمُّوْا ...) وصفیه به شمار می‌رود و هنگام ترجمه قبل از آن «که» می‌آوریم یعنی ترجمه درست گزینه (۲)، «این درختی است استوائی که در جزیره‌های اقیانوس آرام رشد می‌کند.» می‌باشد.

۸ ۲ گزینه (۲) خطا است زیرا: مَلْعَبٌ مَدِيْنَتِنَا الصَّغِيرِ: استادیوم کوچک شهر ما ...

سؤال: در این گزینه چرا کلمه (الصغير) را صفت برای (مدينة) در نظر نمی‌گیریم؟ پاسخ: «الصغير» مذكر است و (المدينة) مؤنث، بنابراین نمی‌تواند صفت آن باشد.

۹ ۱ با توجه به فعل (افزود) که ماضی است، از بین گزینه‌های (۱) یا (۴) یکی را انتخاب می‌کنیم. در گزینه (۴)، (أعلم من = عالم تر از ...) نادرست است.

۱۴ ۲ معنی عبارت صورت سؤال: «اگر مغناطیس زمین نبود هیچ انسانی باقی نمی‌ماند.» معنی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): خورشید طلوع نمی‌کرد. / گزینه (۳): نور به زمین نمی‌رسید. / گزینه (۴): تشعشع‌های خطرناک خورشید نمی‌آمدند.

۱۵ ۴ در گزینه (۴)، (ما)ی شرط داریم زیرا فعل‌های بعد از آن یعنی (تَفَعَّلُوا) و (يُضَعُّ) مجزوم شده‌اند و از همه مهم‌تر، جمله، معنی شرطی دارد و اما نوع (ما) در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): نفی (ما کان: نبود) / گزینه (۲): موصول (... ما علمتني: ... آنچه به من آموختی) / گزینه (۳): موصول (... بما يكرهان: نسبت به آنچه دوست ندارد).

۱۶ ۲ در گزینه (۲)، ادات شرطی وجود ندارد برای همین در این گزینه اسلوب شرطی نخواهیم داشت.

۱۷ ۳ در گزینه (۳) جواب شرط داریم، اما به صورت فعل نیامده است، بلکه به صورت جمله اسمیه (لَهْ أَجْرٌ) بعد از (ف) آمده است.

۱۸ ۳ در گزینه (۳)، (تَقَلَّتْ) فعل شرط و جمله اسمیه (هو في عيشة راضية) جواب شرط است. درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): من: موصول / گزینه (۲): مَنْ: استفهام / گزینه (۴): ما: موصول (آنچه که)

۱۹ ۲ (تَمَّ) و (تَقَصَّ) با اینکه فعل ماضی هستند، چون بعد از ادات شرط (إذا) آمده‌اند، به صورت مضارع ترجمه می‌شوند.

۲۰ ۲ فقط در گزینه (۲) ادوات شرط داریم:

مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

آداة شرط فعل شرط جواب شرط به صورت جمله اسمیه معنی عبارت: هرکس توبه نکند، از ستمگران است (از ستمگران به شمار می‌رود). اما در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مَنْ جَمَعَ ...: کسی که جمع کند علم دیگران را و بیفزاید آن را به علم خود ← مَنْ: «مَنْ» موصول / گزینه (۳): مَنْ + اسم ← نمی‌تواند «مَنْ» شرط باشد، بلکه در این گزینه «مَنْ» استفهام (پرسش) است. / گزینه (۴): «أَنَّ» حرف شرط نمی‌باشد، بلکه «حرف ناصبه» است و به معنی (که).

۲۱ ۱ در گزینه (۱)، (عَمَلَتْ) فعل شرط و (يَعْلَمُ) جواب شرط می‌باشد. (مَنْ) یا (ما) در بقیه گزینه‌ها جزء ادوات شرط نیستند بلکه:

گزینه (۲): ما = مای نفی / گزینه (۳): مَنْ = موصول (کسی که) در ضمن بعد از حرف (ب) آمده بنابراین نمی‌تواند، مَنْ شرط باشد. / گزینه (۴): مَنْ = موصول

۲۲ ۳ (مَنْ) در گزینه (۳) برخلاف گزینه‌های دیگر بر شرط دلالت ندارد، بلکه (مَنْ) استفهام یا پرسش است زیرا جواب شرط ندارد.

در گزینه (۳)، فعل (يُسَاعِدُ) چون مستقیماً بعد از (واو) آمده، نمی‌تواند جواب شرط باشد.

۲۳ ۴ در گزینه (۴) جواب شرط به صورت جمله اسمیه (هو قليل ...) آمده است در حالی که در بقیه گزینه‌ها به صورت فعل آمده است نه جمله. هنر - ۹۹

۲۴ ۲ جواب شرط ممکن است به جای فعل مضارع یا ماضی به صورت یک جمله اسمیه بیاید که در گزینه (۲) جمله (هو منهم) چنین است. دقت کنید فعل‌های (يُجَالِسُ) و (لَا يَجْتَنِبُ) چون مستقیماً بعد از (واو) آمده‌اند، نمی‌توانند جواب شرط باشند، بلکه «معطوف» هستند. جواب شرط در سایر گزینه‌ها:

۶ ۴ در گزینه (۴) ترجمه فعل درست نمی‌باشد، زیرا در اسلوب حصر، هنگامی که «إِلَّا» به شکل «فقط / تنها» ترجمه می‌شود، فعل جمله به صورت مثبت ترجمه می‌شود، در حالی که در این گزینه به اشتباه به صورت «منفی» ترجمه شده است. ضمناً در گزینه (۳) بخش اول عبارت به صورت مفهومی ترجمه شده است!

۷ ۲ با توجه به (هر موضوع: کل موضوع) و (غذایی فکری: غذاء فکریاً)، فقط گزینه (۲) صحیح است. دقت کنید که در گزینه (۳)، کل + الموضوع (= کل + اسم ال) به صورت همه موضوع ترجمه می‌شود نه هر موضوع.

۸ ۳ مفهوم عبارت، به جز علم هر چیزی ظرفیت و اندازه معینی دارد و گنجایش آن ثابت است و تغییر نمی‌کند و این مفهوم در گزینه (۳) آمده است.

۹ ۲ (سَاعِدْنَا) برای جای خالی گزینه (۲) نامناسب است و باید به جای آن از فعل‌هایی مثل (جَمَعْنَا، جَتَيْنَا و...) که به معنی «جمع کردن، برداشتن محصول و...» می‌باشند، استفاده شود.

۱۰ ۱ با توجه به (ادامه داد) و (دبیرستان)، گزینه (۱) را انتخاب می‌کنیم.

۱۱ ۱ درستی بقیه گزینه‌ها:
گزینه (۲): ضاق ≠ اتسع (گسترش یافت) / گزینه (۳): يُحَقِّضُ = يَقْلَلُ / گزینه (۴): اسلوب به معنی «روش» می‌باشد و با کلمه (اختبار) که به معنی «امتحان است» مترادف نمی‌باشد.
درک مطلب

هیچ کدام از ما نیکی و احسان پدر و مادر را فراموش نمی‌کند. آموزش، آسایش و مواظبت از ما، خدمات و فداکاری‌هایی است که پدر و مادر برای خوشبختی ما در اختیارمان قرار می‌دهند و به همین علت، قرآن کریم ما را به نیکی کردن و اطاعت از پدر و مادر سفارش کرده است. صدای خود را بالا نبریم و کلامی حاکی از بی‌ادبی بر زبان جاری نسازیم. بلکه مطیع آنان باشیم و در کسب رضایت آنان بکوشیم و فرزندان محبوب کسانی هستند که نصیحت‌های پدر و مادر را گوش می‌دهند و اوامر آنان را اطاعت می‌کنند تا به موفقیت و دوستی مردم دست یابند.

۱۲ ۱ معنی صورت سؤال: «فرزند محبوب کسی است که؟» پاسخ نادرست: در پیشگاه پدر و مادر سخن نگوید و حرفی به زبان نیاورد.

۱۳ ۳ معنی صورت سؤال: «قرآن کریم نسبت به پدر و مادر چه سفارشی کرده است؟» پاسخ: نیکی کردن و اطاعت.

۱۴ ۱ پدر و مادر، خدمات و فداکاری‌های خود را برای راحتی و خوشبختی فرزندان ارائه و تقدیم می‌کنند.

۱۵ ۳ گزینه (۳) نادرست و نامناسب است زیرا طبق متن، فرزندان محبوب کسانی هستند که «از پدر و مادر خویش اطاعت می‌کنند و احترام آن‌ها را به جای می‌آورند و نصیحت آن‌ها را گوش می‌دهند.» نه آن‌ها که پیروز و موفق می‌شوند. (موفقیت) در سطر آخر آمده است، اما می‌خواهد بگوید که کسی که از پدر و مادر خود اطاعت می‌کند، موفق می‌شود، نه اینکه شخص موفق محبوب است!

۱۶ ۱ (تفهم) در عبارت مورد نظر بر غائب مؤنث (= للغائبة) دلالت دارد نه مخاطب و به باب نرفته است یعنی مجرد ثلاثی است و فاعل ضمیر مستتر (هی) است و کل جمله فعلیه (تفهم) خبر است برای کلمه (زمیلة).

۱۷ ۲ (المُجْتَهِدُونَ) اسم فاعل است نه اسم مفعول.

۱۸ ۴ هذا العالم ← هذا العالم ...

۱۶ ۴ در گزینه (۴)، کلمه (مَسْرُورِينَ) خبر کان می‌باشد، نه (حال) اما در بقیه گزینه‌ها، کلمات (مُنْتَظِرِينَ، سَاعِيَاتٍ و مُجْتَهِدِينَ) حال هستند.

۱۷ ۲ در گزینه (۲)، کلمه (ثَقِيلَةً) نمی‌تواند صفت باشد، زیرا نکره است در حالی که کلمه قبل از آن معرفه است. در بقیه گزینه‌ها کلمات (عَظِيمَةً، الصَّغِيرِ و الْمُحْتَرَمِ) صفت هستند.

۱۸ ۳ (واوی) که وسط جمله آمده باشد و بعد از آن مستقیماً ضمیر منفصل ذکر شده باشد، واو حالیه است.

۱۹ ۲ در گزینه (۲)، کلمه (حَيَّةً)، حال جمله است و به (فریسه) که مفعول به جمله است، برمی‌گردد. اما در بقیه گزینه‌ها حال به کلمات (منصورٌ، التلميذان، الطالبة) که فاعل جملات هستند، برمی‌گردد.

۲۰ ۲ (واوی) که وسط جمله و بعد از آن مستقیماً ضمیر منفصل آمده باشد، (واو) حالیه است و اولین جمله بعد از (واو) حالیه، جمله حالیه می‌باشد. دقت کنید که در گزینه (۱)، کلمه (فَرَحِينَ) حال مفرد است نه (جمله حالیه).

۲۱ ۳ در گزینه (۳)، کلمه (فَرَحِينَ) حال است، اما در بقیه گزینه‌ها: گزینه (۱): (زَوْجِينَ) مفعول به است برای فعل (جَعَلَ). / گزینه (۲): (الْخَاتَمِينَ) مضاف الیه است. / گزینه (۴): (مُجْتَهِدِينَ) خبر کان است. تجربی - ۹۷

۲۲ ۲ در گزینه (۲)، کلمه (رَاكِبِينَ) حال است، اما در بقیه گزینه‌ها: گزینه (۱): مثلاً (خبر کان) - صالحاً صفت برای (مثلاً) / گزینه (۳): باکیاً (خبر کان) / گزینه (۴): کلمه منصوب نکره نداریم.

۲۳ ۳ در گزینه (۳)، هم (اسم فاعل) داریم و هم (اسم مفعول): الْمُحْتَرَمِ: اسم مفعول / صَادِقِ: اسم فاعل
در صورتی که در گزینه‌های دیگر چنین نیست و اسم فاعل و اسم مفعول با هم نیامده‌اند.

۲۴ ۱ در گزینه (۱)، کلمه (خَاشِعِينَ) حال از نوع مفرد است، اما (حال) به کار رفته در بقیه گزینه‌ها از نوع (جمله) می‌باشد نه مفرد.

۲۵ ۳ (واوی) که در گزینه (۳) آمده است چون اول عبارت قرار دارد، به هیچ وجه نمی‌تواند واو حالیه باشد در نتیجه این گزینه، جمله حالیه ندارد.

پاسخ تشریحی آزمون ۳۱

۱ ۲ با توجه به کلمه (القارئ) که به معنی «خواننده» است و (فائده) که مفرد و نکره است، گزینه (۲) را انتخاب می‌کنیم.

۲ ۲ (فِي الْعَالَمِ: در عالم) و این حالت فقط در گزینه (۲) دیده می‌شود. ریاضی - ۹۷

۳ ۲ با توجه به فعل‌های (يَتَكَاسَلُونَ، لَا يُحِبُّونَ وَ يَتَأَخَّرُونَ) که مضارع هستند، فقط گزینه (۲) می‌تواند جواب مورد نظر باشد. هنر - ۹۷

۴ ۲ شکل درست بقیه گزینه‌ها: گزینه (۱): لم يُواصِلْ - ادامه نداد - دراسته: تحصيلش / گزینه (۳): مَدْرَسَةٌ ثانویة: دبیرستان / گزینه (۴): عَدَّةُ كُتَابٍ: چندین نویسنده

۵ ۴ شکل درست بقیه گزینه‌ها: گزینه (۱): زبان انگلیسی را فقط از جهانگردان یاد گرفت. / گزینه (۲): (محدودیت سودمند نیست مگر برای کودکی یا شخص مریضی) = محدودیت فقط برای بچه یا مریضی سودمند است. / گزینه (۳): عقاد فقط بر خود اعتماد کرد.

روش ساده و مطمئن ترجمه این قبیل جملات: کلمه (فقط) متعلق به اولین کلمه بعد از (إلا) است، یعنی هنگام ترجمه حتماً باید اولین کلمه بعد از (إلا) را بیاوریم. مثلاً علت نادرست بودن گزینه (۱) این است که مستقیماً بعد از (فقط) فعل آمده است در حالی که باید کلمه (حق) می‌آمد.

۵ ۱ موارد نادرست در بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۲): ... مَنْ يَسْمَعُنِي: گوش بدهد به من ... / گزینه (۳): أَعْرِفُهُ...: می‌شناسم او را / گزینه (۴): ... يُؤْصِلُنِي...: می‌رساند مرا [تجربی - ۹۲](#)

۶ ۱ هیچ ... اشکالی ندارد - باید از (لا)ی نفی جنس استفاده کنیم یعنی بعد از (لا) اسم یا مصدر بیاوریم. در گزینه (۲)، (لهذه الكتب) نادرست است.

۷ ۴ مفهوم عبارت (خواندم کتاب را به‌جز منابع آن) می‌باشد یعنی منابع کتاب را نخواندم و به زبان ساده‌تر، کلمه (مصادر) از کتاب استثنا شده و مورد مطالعه قرار نگرفته است.

۸ ۲ ترسناک: مُرْعَب / گریز: فرار

۹ ۴ به جای تُدَاوِي «مداوا می‌کند» باید از فعل تَشَهَّر «شب را بیدار می‌ماند» استفاده کرد.

۱۰ ۳ صَحَفِي «روزنامه‌نگار» با مُفَكِّر «روشن‌فکر» مترادف نیستند. (واقع) با (مطمئن) مترادف است نه متضاد (حدیث) هم مترادف (جدید) است.

۱۱ ۳ دقت کنید که جمع کلمه (شِدَّة)، (شَدَائِد) است، اما جمع (شدید)، (أَشْدَاء) است.

۱۲ ۱ معنی سؤال و جواب گزینه (۱) که نادرست می‌باشد: عقاد زبان انگلیسی را از چه کسی یاد گرفت؟ - یاد گرفت آن را تا ادبیات غرب بخواند. درک مطلب

در اینکه بخشی از مواد خوراکی عامل اصلی ابتلای انسان به بیماری‌های قلبی است، شکی نیست، ولی ما نباید واقعیتی دیگر را فراموش کنیم و آن این است که تأثیر و تأثرات روحی و روانی که آرامش ما را برهم می‌زند، سهمی در ابتلای ما به این بیماری‌های قلبی دارد. در این زمینه، برخی از دانشمندان دریافته‌اند که حیواناتی که هیچ غذای زیان‌آوری نمی‌خورند نیز به بیماری‌های قلبی و عروقی مبتلا شده‌اند. لذا دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که دنیا خالی از مشکلات نیست و انسان باید به فکر کیفیت زندگی‌اش باشد تا ناامیدی و غم و اندوه او را احاطه نکند چون این‌ها نیز خطرآفرین هستند. [هنر - ۸۸](#)

۱۳ ۲ با توجه به متن، گزینه (۲) صحیح است: «نمی‌توان انسانی پیدا کرد که با مشکلی در زندگی روبه‌رو نشود.» بررسی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): علت اصلی مرگ به مشکلاتی که از خوردنی‌هاست، برمی‌گردد! / گزینه (۳): می‌توانیم زندگی بسازیم که نه سختی در آن است و نه گرفتاری! / گزینه (۴): چون حیوانات احساس و درکی [ذهنی] ندارند، عواطف (کنش‌های روانی) در آن‌ها بی‌تأثیر است!

۱۴ ۴ بر اساس متن، گزینه (۴) صحیح است: «اسلوب صحیح (زندگی) آن است که به مسائلی که خواسته‌ها و اصل زندگی ما را ویران می‌کند، نزدیک نشویم.» بررسی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): حالات مختلف روانی بیش از دیگر عوامل باعث مرگ و میر انسان‌ها است! / گزینه (۲): سختی‌ها جزئی از وجود انسان است و عامل بیرونی ندارد! / گزینه (۳): همگان بر این باورند که قلب و ناراحتی‌های آن دلیل اصلی مرگ در انسان و حیوان است!

۱۵ ۳ معنی عبارت صورت سؤال: ندانستن علت‌های مرگ و میر باعث می‌شود به مسائلی که هر روزه عامل مرگ مردمان است، توجهی نکنیم.

۱۹ ۲ در گزینه (۲)، مستثنی‌منه محذوف است، اما در بقیه گزینه‌ها، کلمات (جمع الموظفين، الناس، أعمال) مستثنی‌منه می‌باشند. توجه: مانند گزینه‌های (۱) و (۲)، اگر بعد از (إلا)، حرف جر (من) همراه با ضمیر متصل بیاید مانند (منه، منهنم و...)، نتیجه می‌گیریم که در آن عبارت حتماً قبل از (إلا) مستثنی‌منه وجود دارد. [ریاضی - ۹۳](#)

۲۰ ۳ دقت کنید در گزینه‌های (۱) و (۲) اولین کلمه بعد از (الا) فعل است بنابراین (الا) آن‌ها حرف استثناء نیست بلکه (آن ناصبه + لا + فعل) می‌باشد. در گزینه (۴) هم، «الا» در ابتدای جمله آمده و نمی‌تواند ادات استثنا باشد.

۲۱ ۲ در گزینه (۲)، مستثنی‌منه، محذوف است، اما در بقیه گزینه‌ها، کلمات (أحد، أحد، الطلاب) مستثنی‌منه می‌باشند.

توجه: کلمات مفرد نکره مانند (أحد، شيء، كلاماً و...) اگر در جمله منفی واقع شوند، معنی و مفهوم (جمع) می‌دهند بنابراین می‌توانند مستثنی‌منه باشند. یک‌بار دیگر به گزینه‌های (۱) و (۳) دقت کنید تا منظور من را بهتر بفهمید.

۲۲ ۳ به (توجه) ذکر شده در پاسخ سؤال قبل دقت کنید. [انسانی - ۹۷](#)

۲۳ ۴ در گزینه (۴)، کلمه «الشُّرک از دُنُوب: گناهان» استثنا شده است اما درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): الكتاب كله / گزینه (۲): (مستثنی‌منه) این عبارت محذوف است، / گزینه (۳): كل يوم

۲۴ ۴ در گزینه (۴) جمله قبل از «إلا» منفی می‌باشد و مستثنی‌منه ندارد. در گزینه (۳) با اینکه جمله قبل از «إلا» منفی است اما کلمه (أصدقاء) مستثنی‌منه می‌باشد.

۲۵ ۱ در اسلوب استثناء باید دقت کنیم که کلمه بعد از «إلا» جزء کوچکی از مستثنی‌منه (قبل از إلا) می‌باشد، بنابراین در گزینه (۱) باید جای (تمرین) و (التمارین) را عوض کنیم و بگوییم:

كُتِبَ التَّمَارِينُ فِي الْمَنْزِلِ إِلَّا تَمَرِينًا.

↓ ↓
مفرد جمع

پاسخ تشریحی آزمون ۳۲

۱ ۲ با توجه به ضمیر متصل به (عُشَّة) باید این کلمه را به صورت «لانه‌اش» ترجمه کرد یعنی حتماً باید ضمیر موجود در کلمه در ترجمه بیاید. با توجه به این نکته گزینه‌های (۱) و (۳) حذف می‌شوند و گزینه (۴) به خاطر (بزرگ شدن) که باید به صورت فعل می‌آمد و (به پرواز در بیایند) که باید به صورت (بپرند) می‌آمد، نمی‌تواند درست باشد.

۲ ۱ (بیش از ۴۰ درجه) ذکر شده در گزینه‌های (۲) و (۴) نادرست است زیرا در عبارت داده شده، کلمه (بیش از) وجود ندارد. در گزینه (۳) هم فعل (لا يستطيع) معنی نشده است هم (آنجا موجود است) نادرست است. [هنر - ۹۶](#)

۳ ۲ با توجه به فِي القرآن (در قرآن) و حذف (في) در ترجمه، گزینه‌های (۱) و (۳) حذف می‌شوند و گزینه (۴) به خاطر (همیشه) و (آزمایش در علوم) نمی‌تواند درست باشد.

۴ ۲ درستی بقیه گزینه‌ها:

گزینه (۱): فقط حق را بگو. / گزینه (۳): فقط راستگو رستگار است. / گزینه (۴): فقط یک کشاورز در مزرعه بود.